



فرهنگ سیرویه هرمزگان

مؤلف :

صادق سالار حسینی

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)

۱۴۰۱

سرشناسه: سالار حسینی، صادق، ۱۳۶۶-

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ سیرویه هرمزگان/ مولف صادق سالارحسینی.

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۴۸۳ص.مصور (رنگی)، جدول.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۹۴۱-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۷۳ - ۴۸۳.

موضوع: سیرویه

Sirooeiyeh (Iran)

رده بندی کنگره: DSR۲۰۹۵

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۷۳

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۳۸۳۴۱

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: فرهنگ سیرویه هرمزگان

مولف: صادق سالار حسینی

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

چاپ: مدیران

قیمت: ۷۰۰۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۹۴۱-۵

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

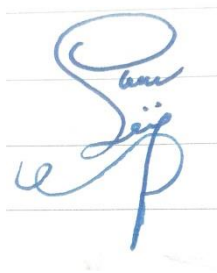
www.chaponashr.ir



این کتاب را تقدیم می‌کنم به روح بزرگ پدرم که اخلاق، جوانمردی، گذشت و مادرم که صبوری، فداکاری و تلاش در زندگی را به من آموختند و همسر مهربانم که همواره حضورش گرمابخش لحظات زندگی ام بوده است. بر خود واجب می‌دانم از زنده یاد "پرفسور حسین محمدزاده صدیق" که با سعه‌ی صدر نگارنده را، راهنمایی و تشویق کرد و همچنین دوست خوبم "مهدی حسنی اردبیل‌لی" که مرا به وی معرفی کرد و در مدت پژوهش با راهنمایی‌های علمی و معرفی منابع لازم، مرا در این راه فرهنگی یاری کردند، بدین وسیله قدردانی کنم. آرزوی سلامتی و سربلندی برای سروران گرانقدری که به طرُق مختلف در کنارم بودند، از خداوند منان خواستارم. "عبدالله سالارحسینی" که سرمنشا ایده اولیه گردآوری مطالب برایم بود، "نریمان میرزایی" که مطالب گردآوری شده را مطالعه و نکاتی را یادآور شد و "عباس رفیعی" که کار ویرایش بخش‌هایی از کتاب را پذیرفت و سایر عزیزان و بزرگوارانی که بدون راهنمایی و همکاری آنان گردآوری مطالب کتاب میسر نبود، مراتب امتنان خود را نیز از آنها اعلام می‌کنم.

صادق سالارحسینی

۱۴۰۱/۰۶/۰۹



مردان استثنایی یک عصر، بیشتر فرزندان فرهنگ‌های قدیمی و نهال‌های دیررس نیروهای گذشته‌اند. من در آنها میراث یک ملت و آداب و رسوم آن را می‌بینم. (فردریش نیچه).

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵	مقدمه
۱۷	پیشگفتار
۱۹	فصل اول: وضعیت جغرافیایی
۱۹	۱-۱- وضعیت جغرافیایی و اثر آن بر زندگی مردم
۲۰	۱-۲- ویژگی اقلیمی و بوم شناسی سیرویه
۲۰	۱-۳- جمعیت و جغرافیای انسانی
۲۱	۱-۴- مسیرهای تردد سیرو، و سیرو به مناطق همجوار در گذشته
۲۲	۱-۵- محدوده روستا
۲۲	۱-۶- نام بعضی از مکان های سیرو از غرب به شرق
۲۷	۱-۷- جغرافیای طبیعی
۲۷	۱-۷-۱- مرتع
۲۸	۱-۷-۲- رودها
۲۸	۱-۷-۳- پوشش درختی و گیاهی
۲۹	۱-۸- شرحی مختصر درباره ی بعضی از درختان خودرو و کاشتنی
۲۹	۱-۸-۱- آرس یا وُرس یا سرو کوهی
۳۰	۱-۸-۲- کیکم یا کرگو
۳۲	۱-۸-۳- کُنار
۳۴	۱-۸-۴- سپستان
۳۴	۱-۸-۵- کهورک یا جنجغه ایرانی
۳۵	۱-۸-۶- گز (french tamarisk)
۳۶	۱-۸-۷- بنه یا پسته کوهی
۳۷	۱-۸-۸- بادام کوهی
۳۸	۱-۸-۹- کرچک
۳۸	۱-۸-۱۰- خرزهره (گیش)
۳۹	۱-۸-۱۱- سیاه شور مصری
۳۹	۱-۸-۱۲- سریش ایرانی

- ۴۰ ۱-۸-۱۳-مورد
- ۴۰ ۱-۸-۱۴-انجیر
- ۴۰ ۱-۸-۱۵-نخل
- ۴۷ ۱-۸-۱۶-قلم مداد؟
- ۴۷ ۱-۸-۱۷-درخت تنگرس
- ۴۸ ۱-۸-۱۸-درختچه گون یا انزروت
- ۴۸ ۱-۸-۱۹-درختچه دیوخار-سریم-اسه
- ۵۰ ۱-۹-۹-شرح بعضی از گیاهان (داروئی، گل ها، علوفه ای)
- ۵۰ ۱-۹-۱-آویشن یا آزره
- ۵۱ ۱-۹-۲-پونه کوهی
- ۵۱ ۱-۹-۳-پرسیاوشان
- ۵۲ ۱-۹-۴-پنیرک
- ۵۲ ۱-۹-۵-خارشتر ایرانی
- ۵۳ ۱-۹-۶-کبر
- ۵۴ ۱-۹-۷-کلیپوره
- ۵۵ ۱-۹-۸-هندوانه ابوجهل
- ۵۵ ۱-۹-۹-شکر تیغال
- ۵۶ ۱-۹-۱۱-اسپند
- ۵۶ ۱-۹-۱۲-کنگر طلایی
- ۵۷ ۱-۹-۱۳-شیرین بیان
- ۵۸ ۱-۹-۱۴-بابونه گاوی
- ۵۹ ۱-۹-۱۵-برنجاسف
- ۵۹ ۱-۹-۱۶-گاو زبان وحشی
- ۶۰ ۱-۹-۱۷-آناگالیس با گل آبی
- ۶۰ ۱-۹-۱۸-قندرون (Chondrilla)
- ۶۱ ۱-۹-۱۹-آفتاب پرست اروپایی (Heliotropium europaeum L)
- ۶۱ ۱-۹-۲۰-شیر تیغک (Sonchus oleraceus)
- ۶۱ ۱-۹-۲۱-اِفدرا یا اِفدرا سینیکا
- ۶۲ ۱-۹-۲۲-کاهوئک یا کاهوی خاردار
- ۶۲ ۱-۹-۲۳-علف هرز سلمه تره (سلمک) (Chenopodium album)
- ۶۳ ۱-۹-۲۴-استبرق
- ۶۴ ۱-۹-۲۵-کِرته

- ۶۴ گل همیشه بهار صحرائی ۲۶-۹-۱
- ۶۴ اسفناج ۲۷-۹-۱
- ۶۴ خاکشیر تلخ ۲۸-۹-۱
- ۶۵ شبدر ایرانی (Persian clover) ۲۹-۹-۱
- ۶۵ یونجه خاردار ۳۰-۹-۱
- ۶۶ بارهنگ تخم مرغی ۳۱-۹-۱
- ۶۷ گاوزبان ایرانی ۳۲-۹-۱
- ۶۸ شیرسگ (خورشید فریون) ۳۳-۹-۱
- ۶۹ از مک ۳۴-۹-۱
- ۶۹ آنقوزه ۳۵-۹-۱
- ۷۰ مومناى ۱۰-۱-۱
- ۷۱ قارچ ها ۱۱-۱-۱
- ۷۱ قارچ يا گُغارک (koγârk) ۱۱-۱-۱
- ۷۱ اغر ۱۱-۲-۱
- ۷۱ قارچ صدفى (پترک) ۱۱-۳-۱
- ۷۱ قارچ هاى سمى و غير خوراكى ۱۱-۴-۱
- ۷۱ جغرافىاى طبيعى كوه ۱۲-۱-۱
- ۷۱ كوه سيرو (kuh-e-siru) ۱۲-۱-۱
- ۷۲ اسامى بعضى از مكان هاى كوه سيرو ۱۲-۲-۱
- ۷۸ برخى از واژگان مرتبط با كوه ۱۲-۳-۱
- ۷۹ گونه هاى جانورى سيرو ۱۳-۱-۱
- ۷۹ بعضى از حشره ها ۱۴-۱-۱
- ۷۹ حشره كهپور ۱۴-۱-۱
- ۸۱ قاب بالان «Derobrachus hovorei» ۱۴-۲-۱
- ۸۱ قاب بالان بال سخت ۱۴-۳-۱
- ۸۱ سوسك كليكى ۱۴-۴-۱
- ۸۲ سوسك سرخرطومى ۱۴-۵-۱
- ۸۲ جيرجيرك قهوه اى و سياه ۱۴-۶-۱
- ۸۲ زنجره آسيابان ۱۴-۷-۱
- ۸۳ آبدزدك ۱۴-۸-۱
- ۸۵ فصل دوم: وضعيت تاريخى فصل دوم: وضعيت تاريخى

- ۱-۲- تمدن ایران پیش از نیمه هزاره پنجم پیش از میلاد ۸۵
- ۲-۲- تمدن های جنوب و جنوب غربی ۸۵
- ۳-۲- تاریخ مرتبط با شمال هرمزگان ۸۵
- ۴-۲- تاریخ شفاهی ۸۷
- ۱-۴-۲- روایت های شفاهی بخش اول ۸۷
- ۲-۴-۲- حوادث دوران قاجاریه مرتبط با فارغان و احمدی ۸۸
- ۳-۴-۲- روایت های شفاهی بخش دوم ۹۱
- ۵-۲- مهاجرت ۹۵
- ۶-۲- موقعیت آبادی قدیم و شکل گیری آبادی جدید ۹۶
- ۱-۶-۲- سراسر بلوک فارغان در دوره های مختلف تا روزگار قوام شیرازی ۹۶
- ۲-۶-۲- سیروویه ۹۶
- ۷-۲- شرحی درباره ی نام سیروویه و بعضی از آبادی ها و کوه ها ۹۷
- ۱-۷-۲- آشنایی با برخی واژگان ۹۷
- ۲-۷-۲- عوامل اثر گذار بر نحوه نام گذاری ها ۹۸
- ۳-۷-۲- سیروویه (Siruiyeh) ۹۹
- ۴-۷-۲- ویژگی جغرافیایی و تاریخی ۹۹
- ۵-۷-۲- «سیرو» در منابع کتابی ۱۰۰
- ۶-۷-۲- نام سیرو یا نام های نزدیک به آن به عنوان کوه، روستا، چشمه در جاهای دیگر ۱۰۱
- ۷-۷-۲- اسم قوم یا فردی خاص در ایران و جهان ۱۰۲
- ۸-۷-۲- سیرو در منابع تاریخی و نقشه ها ۱۰۳
- ۹-۷-۲- نتیجه گیری براساس مطالب بالا ۱۰۳
- ۱۰-۷-۲- معنی عامیانه ۱۰۴
- ۱۱-۷-۲- نام سایر آبادی ها و کوه ها در منابع دیگر ۱۰۴
- ۸-۲- ترکیب جمعیتی ۱۲۰
- ۱-۸-۲- فامیلی و شناسنامه ۱۲۱
- ۲-۸-۲- خانواده های مهاجر از سیروویه به جاهای دیگر ۱۲۱
- ۳-۸-۲- معنی و ریشه القاب طوایف ۱۲۱
- ۴-۸-۲- قدیمی ترین افراد هر طایفه بنا به گفته های شفاهی و اسامی موجود در قباله ها و دست نوشته ها ۱۲۶
- ۵-۸-۲- کاربرد کلمه های سالار، افسا، میرزا و ملا در، دوره های تاریخی، ابیات شاعران و بررسی معنی ریشه و شکل کلمه در جاهای دیگر براساس منابع کتابی ۱۳۴
- ۶-۸-۲- بخشی از خصوصیات اخلاقی مردم سیروویه ۱۳۷

۱۳۸	۲-۸-۷-اداره روستاها در دوره قاجار و پهلوی
۱۳۸	۲-۸-۸-واژه کدخدا
۱۳۹	۲-۸-۹-کدخدای روستا
۱۳۹	۲-۸-۱۰-وظایف و عملکرد کدخدایان و مقایسه با وقایع مشابه در ادوار گذشته سیروپیه به روایت اهالی
۱۴۰	۲-۸-۱۱-سایر وظایف و اختیارات کدخدا
۱۴۰	۲-۸-۱۲-نحوه انتخاب و انتصاب کدخدا
۱۴۱	۲-۸-۱۳-نقش معتمدان محلی
۱۴۱	۲-۹-آثار تاریخی روستا
۱۴۱	۲-۹-۱-معماری سنگی و خشت و گلی
۱۴۵	۲-۹-۲-شرح ساختار داخلی و بیرونی و، ویژگی این خانه ها با توجه به نوع اقلیم منطقه
۱۴۸	۲-۹-۳-معماری سنگ و ساروجی
۱۵۰	۲-۹-۳-آثار تاریخی کشاورزی و مذهبی
۱۵۲	۲-۹-۴-آثار اماکن مذهبی
۱۵۳	۲-۹-۵-نمادشناسی
۱۵۴	۲-۱۰-واحد های اندازه گیری رایج در گذشته
۱۵۴	۲-۱۰-۱-واحد مربوط به زمین
۱۵۴	۲-۱۰-۲-واحد مربوط به آب
۱۵۴	۲-۱۰-۳-برای اندازه گیری مقدار کالا به جای وزن از حجم و مقدار حجمی استفاده می شد
۱۵۵	۲-۱۰-۴-واحد های حجمی رایج
۱۵۵	۲-۱۰-۵-واحدهای اندازه گیری طول
۱۵۵	۲-۱۰-۶-قد (qad)
۱۵۵	۲-۱۱-تامین نمک روستا
۱۵۶	۲-۱۲-شستشوی لباس
۱۵۶	۲-۱۳-درست کردن آتش و جابجایی
۱۵۷	فصل سوم: اشتغال و کسب و کار
۱۵۸	۳-۱-دامپروری
۱۵۸	۳-۱-۱-گرگ و کله گرگی
۱۵۸	۳-۱-۲-تامین علوفه
۱۵۸	۳-۱-۳-انواع بیماری دام ها، علائم، درمان
۱۵۹	۳-۱-۴-پشم چینی
۱۵۹	۳-۱-۵-چرای دام ها

۱۵۹	۳-۱-۶-ماده گونی
۱۵۹	۳-۱-۷-کمک به چوپان
۱۶۰	۳-۱-۸-شیردوشی
۱۶۲	۳-۱-۴-مشکلات دامداری امروزی
۱۶۲	۳-۲-پيله وری
۱۶۳	۳-۳-کشاورزی
۱۶۳	۳-۱-۳-گیاهان فصلی
۱۶۵	۳-۲-۳-درختان چند ساله
۱۶۵	۳-۳-۳-تامین منابع آبی جهت کشاورزی
۱۶۶	۳-۴-سایر تولیدات از گذشته تا به حال
۱۶۷	۳-۴-۱-دست سازها
۱۶۷	۳-۴-۲-ریسندگی و بافندگی (تولید نخ و بافت چادر شب)
۱۷۴	۳-۵-درست کردن مشک (xig)
۱۷۵	۳-۶-فعالیت های زنان (گذشته)
۱۷۵	۳-۶-۱-نان پختن
۱۷۷	۳-۶-۲-خیاطی
۱۷۸	۳-۶-۳-مشک زنی
۱۷۸	۳-۷-ابزار پخت و پز
۱۷۹	فصل چهارم: فرهنگ و آداب و رسوم
۱۸۰	۴-۱-فرهنگ سواد آموزی و مطالعه
۱۸۰	۴-۱-۱-وضعیت فرهنگی و اجتماعی (مکتب خانه، مدرسه ابتدایی و راهنمایی)
۱۸۳	۴-۱-۲-موفقیت تحصیلی و شغلی جوانان در زمینه های مختلف
۱۸۵	۴-۲-آداب مهمان نوازی
۱۸۶	۴-۳-فرهنگ ازدواج
۱۸۷	۴-۳-۱-جایگاه ازدواج
۱۸۷	۴-۳-۲-برخی انگیزه های ازدواج
۱۸۷	۴-۳-۳-انواع ازدواج رایج میان مردم در گذشته
۱۸۸	۴-۳-۴-مراحل ازدواج از گذشته تاکنون
۱۹۱	۴-۳-۵-کارهای قبل از برگزاری عروسی
۱۹۲	۴-۳-۶-جشن عروسی
۱۹۳	۴-۳-۷-روز سوم و عیش بزرگ (جشن پذیرایی)

۱۹۶	۴-۳-۸-سرگرمی های چندین روز عروسی
۱۹۷	۴-۴-اهمیت فرزند آوری
۱۹۸	۴-۴-۱-مراقبت های زائو
۱۹۸	۴-۴-۲-قابله (ماما)
۱۹۹	۴-۴-۳-استحمام نوزاد
۱۹۹	۴-۴-۴-بستن نوزاد
۱۹۹	۴-۴-۵-حمام رفتن زائو
۱۹۹	۴-۴-۶-مراقبت های زائو
۱۹۹	۴-۴-۷-چند واژه مرتبط
۲۰۱	۴-۵-فرهنگ نام گذاری
۲۰۲	۴-۶-پوشش محلی و رابطه آن با عوامل جغرافیایی
۲۰۲	۴-۶-۱-پوشش اهالی سیرو
۲۰۶	۴-۶-۲-زیورآلات
۲۰۷	۴-۷-تفریح و سرگرمی ها
۲۰۷	۴-۷-۱-بازی های بومی محلی
۲۱۵	۴-۷-۲-اسباب بازی ها
۲۱۵	۴-۷-۳-سرگرمی روزانه
۲۱۷	۴-۸-تغذیه مردم
۲۲۱	فصل پنجم: واژه های مرتبط با زمان، روزها و فصل ها
۲۲۱	۵-۱-تشخیص زمان
۲۲۱	۵-۱-۱-نام های روزانه
۲۲۱	۵-۲-اصطلاحات مربوط به زمان
۲۲۳	۵-۳-نام های مربوط به آب و هوا
۲۲۳	۵-۴-واژگان مرتبط با آب و هوا
۲۲۴	۵-۵-واژگان مرتبط با باران
۲۲۵	۵-۶-اصطلاحات نوروز
۲۲۵	۵-۶-۱-آیین های نوروزی سال های گذشته
۲۲۷	۵-۷-اصطلاح فصل ها
۲۳۱	فصل ششم: امکانات روستا
۲۳۱	۶-۱-شورا و دهیاری
۲۳۲	۶-۲-وضعیت بهداشت از گذشته تا به حال

۲۳۲ ۱-۲-۶ حمام
۲۳۳ ۲-۲-۶ درمان های سنتی
۲۳۶ ۳-۲-۶ خانه بهداشت روستا
۲۳۶ ۳-۳-۶ آب شرب
۲۳۷ ۴-۶ تعاونی روستایی خیام
۲۳۷ ۵-۶ مرغ داری
۲۳۷ ۶-۶ مخابرات
۲۳۸ ۷-۶ مسجد
۲۳۸ ۸-۶ حسینیه
۲۳۸ ۹-۶ پایگاه بسیج
۲۴۱ فصل هفتم: مذهب
۲۴۲ ۱-۷ ماه رمضان
۲۴۲ ۱-۱-۷ خوراکی های مخصوص افطاری
۲۴۲ ۲-۱-۷ رنگینگ برای افطار
۲۴۲ ۳-۱-۷ روزه کله گنجشکی بچه ها
۲۴۳ ۲-۷ قربانی کردن و عید قربان
۲۴۳ ۳-۷ دهه محرم و عاشورا
۲۴۴ ۴-۷ سایر مراسم های مذهبی
۲۴۴ ۱-۴-۷ چُوشی (čowši)
۲۴۴ ۲-۴-۷ روز عرفه
۲۴۴ ۳-۴-۷ شب های قدر
۲۴۴ ۴-۴-۷ مراسم مربوط به محتضر
۲۴۶ ۵-۷ جایگاه دفاع مقدس
۲۴۸ ۶-۷ بخشندگی
۲۴۸ ۱-۶-۷ اهمیت وقف
۲۴۹ ۲-۶-۷ محترم شمردن حقوق دیگران
۲۴۹ ۳-۶-۷ پرداخت خمس
۲۴۹ ۴-۶-۷ یتیم نوازی
۲۵۰ ۵-۶-۷ پرداخت زکات
۲۵۰ ۶-۶-۷ کاشت درخت یا نخل به نیت امامان و معصومین
۲۵۰ ۷-۶-۷ پرورش دام و نذر در راه سادات

۲۵۰ ۷-۶-۸-مراسم فاتحه و غبار روبی قبور شهدا

فصل هشتم: باورهای عامیانه ۲۵۱

۲۵۲ ۸-۱-نمونه هایی از اعتقادات و باورهای رایج مردم سیرو

۲۵۶ ۸-۲-مقدس بودن بعضی مکان ها یا درختان

۲۵۷ ۸-۲-۱-اعتقاد به حیات و نامیرا بودن

۲۵۷ ۸-۲-۲-گز و کنار

۲۵۷ ۸-۲-۳-برکت مشک

۲۵۷ ۸-۲-۴-قدمگاه پنجه علی

۲۵۷ ۸-۲-۵-کُنار شاه غیب و کُنار آقای حاجی

۲۵۸ ۸-۲-۶-کهنی پیر کهور

۲۵۸ ۸-۲-۷-مورت (مورد)

فصل نهم: زبان و گویش ۲۵۹

۲۵۹ ۹-۱-زبان

۲۵۹ ۹-۲-گویش

۲۶۰ ۹-۳-لهجه

۲۶۰ ۹-۴-گویش مردم سیرویه

۲۶۱ ۹-۴-۱-ویژگی های دستوری گویش سیرویی

۲۶۲ ۹-۴-۲-چندین نکته درباره ی فعل های این گویش

۲۶۵ ۸-ضمیر و انواع آن

۲۸۱ ۹-۵-فرهنگ واژگان سیرو

۲۸۱ ۹-۵-۱-علائم و اختصارات

۲۸۲ ۹-۵-۲-برخی اصطلاحات در گفتگوی عامیانه

۲۹۰ ۹-۵-۳-ریشه یابی و مقایسه برخی از واژگان اوستایی، باستانی و پهلوی با گویش سیرویی

۳۰۷ ۹-۵-۴-مقایسه و پیوند برخی واژگان روستای سیرو با سایر گویش های ایران

۳۲۸ ۹-۵-۵-واژگان مشابه با معنی متفاوت

۳۲۸ ۹-۵-۶-نمونه نوشتار به لهجه مردم سیرو

۳۲۹ ۹-۵-۷-ادبیات شفاهی و عامیانه (سیرویه)

۳۳۴ ۹-۵-۸-عبارات کنایی رایج در گویش محلی مردم سیرو

۳۴۱ ۹-۵-۹-چیستان ها

۳۴۱ ۹-۶-فرهنگ واژگان

۳۷۴ ۹-۶-۱-واژگان مرتبط با بدن (بیماری، حالات روحی، نفرین و..)

۳۸۵ ۹-۶-۲-واژگان مربوط به دامداری و حیوانات (پرنندگان، چرندگان، خزندگان، حشرات)

۴۰۲ ۹-۶-۳-واژگان مربوط به کشاورزی، باغداری و گیاهان

فصل دهم: ضمیمه مکاتبات خصوصی و عمومی، دست نوشته ها و اسناد قدیمی مرتبط با فصل های

۴۱۹..... قبلی

بخش اول : فرمان های ایالتی و حکومتی، ارسال تفنگچی و سرباز به جبهه نبرد، برقراری نظم و امنیت راه ها و

۴۲۰ دستگیری سارقان و...

۴۲۳ تصرف قلعه گُمیز رودان احمدی

۴۲۴-اقدامات امنیتی و قانون متحدالشکل کردن لباس

۴۲۵-الحاق سعادت آباد به بندرعباس و تاسیس دفتر ازدواج و طلاق

بخش دوم: مسایل مربوط به دادخواهی، امور کشاورزی خرید و فروش، حق آبه، مشارکت در حفر قنات و نصب

۴۲۶..... موتور پمپ و..)

بخش سوم: دست نوشته ها و اسناد مربوط به امور فرهنگی، بهداشت، مشارکت های مردمی، ذمه و دین، ازدواج،

۴۳۴ دست خط افراد سواد داری که سابقه آموزش مکتبی آنان مربوط به قبل از ۱۳۰۰ خورشیدی است.

۴۴۲ تصویر گیاهان با نام محلی

۴۵۱ عکس های مربوط به نام گذاری کوه سیرو و نام جای ها

۴۵۶..... دام ها و حشره ها

۴۵۸ عکس های مربوط به فصل دوم

۴۵۹ وسایل تزئینی و ابزار دست ساز: خُلکی، البی، گوشواره، پابند، انگشتر، تو زلفی

۴۶۱..... تصویر بعضی از قدیمی ها و در ادامه تصویر شهدای روستا

۴۶۳..... نمونه ی خوردنی های مخصوص شب نشینی

۴۶۴..... آثار تاریخی و شکل بناها

۴۶۹..... پیوست ۱-منابع شفاهی

۴۷۳..... منابع



هدف از جمع آوری و نوشتن این مطالب درباره ی «روستای سیرویه» آشنایی نسل جدید با فرهنگ نیاکان خود در گذشته و جنبه های تاریخی و مذهبی است، که شامل همه ی اقوام ساکن در روستا می شود. در این پژوهش از اطلاعات مکتوبی که در دست نوشته های قدیمی بر جای مانده و اطلاعاتی که به صورت شفاهی سینه به سینه نقل شده استفاده شده است. بعضی از مطالب مشترک با جاهای دیگر کشور نیز با منابع کتابخانه ای تکمیل شده است. بر پایه ی همین گزارش های شفاهی و اسناد بجا مانده از گذشته است که می توان به نکات قابل توجهی درباره ی مسائل جغرافیایی، تاریخی، اعتقادات، رسوم و دیگر موضوعات اجتماعی و فرهنگی هر منطقه ای دست یافت. شاید ناگفته های بسیاری درباره ی این روستا وجود داشته که به دلیل ثبت نشدن به فراموشی سپرده شده است.

شیوه جمع آوری اطلاعات به صورت میدانی و از طریق مصاحبه با افراد سالخورده یا افراد آگاهی بوده است که خود شاهد بعضی مسائل بوده اند و یا از بزرگترهای خود (پدر، پدربزرگ، مادر، مادربزرگ) شنیده اند؛ و یا افرادی که از نظر صداقت مورد تایید مردم روستا هستند اقدام به ثبت گفته های شفاهی آنان درباره ی مسائل مختلف اعم از؛ تاریخی، فرهنگی، مذهبی و... شده است. در پاره ای از موارد مطالبی را که افراد سالخورده بیان کرده اند ممکن است کمی اغراق آمیز و یا توأم با روابط عاطفی باشد که نمی توان بر گفتار آنان خُرده گرفت. بعضی از رسوم و عقاید نیز میان همه اهالی مشترک نبوده و نمی توان آن را به همه تعمیم داد.

نگارنده این مطالب با همه گرفتاری شغلی و بضاعت علمی در زمینه ی؛ زبانشناسی، تاریخ، جغرافیا روابط و اشتراکاتی را که این روستا در زمینه دستاورد های کشاورزی و دامپروری با مناطقی از جنوب شرق و جنوب غرب کشور داشته؛ درک و شناسایی کرده که خود نشان دهنده پیوندی در گذشته است و نیاز به تحقیق گسترده تر دارد. شاید اگر در بعضی نقاط، کاوش هایی توسط گروه های باستان شناسی اجرایی شود بتوان به اطلاعات تازه تری درباره ی تاریخ این ناحیه دست یافت.

انتظار می رود این کوشش بتواند انگیزه ی لازم را برای علاقمندان در جهت پژوهشی جامع تر درباره ی فرهنگ مردم این آبادی فراهم آورد. بدون شک بعد از خواندن این مطالب، نظراتی بیان می شود و با توجه به اینکه روستای سیرویه دارای افراد فرهیخته و تحصیل کرده است، انتظار می رود چنانچه مطلبی به درستی ادا نشده و یا نیاز به ویرایش و اصلاح دارد با نظرات شما عزیزان بر غنای این مطالب افزوده شود. نگارنده انتظار ندارد که خوانندگان،



مطالب جمع آوری شده را بی هیچ تردیدی بپذیرند؛ بلکه معتقد است افراد متخصص و آگاه می توانند با مطالعه بخش هایی از این کتاب به رفع کاستی های احتمالی و علمی تر کردن مطالب کمک کنند. ما باید موضوع هایی که در زمینه های مختلف (گوشی، کشاورزی، درمانی، معماری، خانواده و غیره) وجود داشته را ثبت کنیم و به متخصصان اهل فن بسپاریم تا با جستجو در منابع و اسناد به جای مانده مورد بررسی قرار دهند و درباره ی آنان تحقیق و مطالعه شود. بی شک نگارش مطالب مربوط به گذشته هر چند شفاهی، اما می تواند پایه و اساسی برای کارهای علمی تر در آینده باشد.

در پایان امید است با همه ی کاستی ها این مطالب مورد توجه خوانندگان و اهالی محترم سیروبییه قرار گیرد و به وحدت و انسجام فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بیشتر منجر شود.



امید است جوانان پر تلاش و عزیز سیرویه که در جستجوی رشد و شکوفایی بوده و بعضی از آن ها به موفقیت هایی نیز دست یافته اند و در سمت های دولتی و حساس انجام وظیفه می کنند به شکرانه این توفیق، توجه بیشتری به دیار خود داشته باشند و در جهت ارتقا و اعتلای این روستا و جوانانی که در این راه کوشش می کنند راهنمای خوبی بوده و آنان را از یاری خود بی نصیب نگذارند.

قانون ارتباط می گوید؛ اگر چه ممکن است ظاهراً دو چیز با هم ارتباط نداشته باشند، اما در حقیقت این طور نیست همه چیز در دنیا به هم مربوط اند. قدم برداشتن با پای چپ، با قدم برداشتن با پای راست ربط دارد. به همین صورت، گذشته، حال و آینده همه به هم ربط دارند.

مشکلات همیشه متناسب با هر دوره ای بوده و هستند. ما می توانیم با مطالعه فرهنگ ها و استفاده از تجارب قدیمی ترها قدم های بهتری جهت پیشرفت در زندگی برداریم و خطاها و اشتباهات گذشتگان را تکرار نکنیم.

امام علی علیه السلام: وه که چه بسیار است عبرت ها و چه اندک اند عبرت گیرندگان!



وضعیت جغرافیایی

۱-۱- وضعیت جغرافیایی و اثر آن بر زندگی مردم

موقعیت زندگی و محیط پیرامون آن در روند تکامل حیات و شناخت هر جامعه ای نقش مهمی دارد. بی گمان شرایط جغرافیایی، اقلیمی، مذهبی و خصوصیات نژادی در رشد و یا عدم رشد تمدن و پیشرفت انسان ها نقش اساسی دارند، به همین دلیل است که خیلی از جوامع متمدن در کنار رودهای پر آب و زمین های حاصلخیز شکل گرفته است (تمدن بین النهرین، هلیل رود و...) اما سرزمین های قطبی و بیابانی چندان تمدن پرور نبوده اند!

مردم و ساکنان فعلی این روستا نیز بعد از مهاجرت به این آبادی دگرگونی هایی را در پیرامون خود به وجود آورده و توانسته اند با این محیط سازگار شده و زندگی کنند. اقداماتی نظیر ساخت قلعه و خانه، ایجاد نخلستان و مزارع، زراعت و خرمن کوبی، دامداری، تولید نخ و پارچه و... که در کنار عوامل دیگر از دلایل یک جا نشینی در این روستا بوده است.

این مردم سختکوش توانسته اند با تحمل سختی ها و عدم یا کمبود ضروریات اولیه زندگی نظیر بهداشت، تغذیه و آموزش به حیات خود ادامه دهند و ضمن تغییر محیط پیرامون خود با افتتاح مکتب خانه و علاقمندی نسبت به کسب سواد و دانش دگرگونی هایی را در تفکر و بینش خود نسبت به مسائل جدید ایجاد کنند.

لذا مردم این دیار کوشش کرده اند همراه با ارتقای فرهنگ، تمدن و بینش خود را نیز رشد دهند و ثمره کوشش نیاکان، را در نسلی می بینیم که به عنوان کارآفرینی توانمند یا فردی مستقل که در بخش های خصوصی و دولتی مشغول به خدمت شده و بعضی این افراد موفقیت های چشمگیری نیز داشته باشند.



۱-۲- ویژگی اقلیمی و بوم شناسی سیرویه

از نظر موقعیت جغرافیایی روستای سیرویه در بخش شمالی ناحیه فارغان از جانب جنوب، غرب، شمال و شمال شرقی در حصار تپه ها، کوه ها و ستیغ های بزرگ و کوچکی قرار دارد که گمان می رود در ازمنه ی قدیم بخش هایی از زمین های این ناحیه در زیر آب قرار داشته و به مرور زمان با کاهش بارندگی خشکی های بیشتری پدیدار می شود.

ناحیه شمالی فارغان در امتداد کوه های زاگرس جنوب شرقی واقع شده و به دلیل وجود کوهستان به عنوان حصار دفاعی طبیعی، بالا بودن آب های سطحی و چشمه سارها، شرایط مناسبی جهت ایجاد سکونت گاه های اولیه در این ناحیه فراهم می شود که در پی آن به مرور زمان آبادی هایی در دامنه کوه ها، حاشیه آبگیرها و رودخانه ها پدید می آیند.

این نواحی حیات طبیعی خود را از آبگیرهای طبیعی (چیل) و چشمه های جوشانی گرفته که از دامنه کوه های بخش جنوبی سرچشمه می گیرند و به همین دلیل نخلستان ها و باغ ها نیز در حاشیه جنوبی این آبگیرها توسعه یافته اند.

این آبادی در فاصله ۶۵ کیلومتری شمال غرب فارغان، با مختصات عرض جغرافیایی ۲۸ درجه و ۱۰ دقیقه و ۲۷ ثانیه شمالی و طول جغرافیایی ۵۵ درجه و ۵۹ دقیقه شرقی است که با توجه به وضعیت جغرافیایی در گلوگاه (ورودی) ناحیه فارغان قرار دارد.

دهی از دهستان فارغان بخش سعادت آباد شهرستان بندرعباس. ۲۴ کیلومتری خاور حاجی آباد-سراوه مالرو حاجی آباد فارغان-جلگه گرمسیر-شیعه (مذهب) و زبان فارسی (با گویشی از زبان فارسی تکلم می کنند). (م-ش ۲۳: ف-جغرافیایی کرمان-ص ۲۵۴).

(این روستا) از نظر آب و هوایی گرم و خشک و کوهپایه ای که در بخش شمالی کوه سیرو، و ۸۹۰ متری ارتفاع از سطح دریا و در جنوب شرقی شهرستان حاجی آباد واقع شده است. (م-ش ۵: جعفری-ص ۷۵۲، سیرویه).

۱-۳- جمعیت و جغرافیای انسانی:

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت ساکن روستای سیرو در حدود ۷۱۴ نفر بوده، و در حال حاضر حدود ۵۰۰ نفر ساکن روستا و حدود دو هزار نفر نیز در بندرعباس و حاجی آباد ساکن هستند. جمعیت روستا در فصل زمستان، اعیاد باستانی، ماه های محرم و صفر با حضور مردم چندین برابر می شود. مساحت روستا (بخش عمران) حدود ۱۶۰ هکتار است و شهرک جدید جهت توسعه روستا در دامنه کوه و بخش جنوب غربی آبادی فعلی پیش بینی شده است.



۱-۴- مسیرهای تردد سیرو، و سیرو به مناطق همجوار در گذشته:

مسیر عبور مسافران و کاروان ها از دورودی در شمال غرب به طرف فارغان و احمدی، در جنوب شرق از مسیر جلگه آرزوییه و ده شیخ در شمال شرقی از حاشیه کوه کلوک «دق فده، چاه ثواب و کُل ترکی» بوده است. به گونه ای که در مسیر دورودی به سمت سیروییه آثار چهار برکه قدیمی که برای ذخیره آب باران و تامین آب دام های دامداران و مسافران، ساخته شده، هنوز وجود دارد. این برکه ها به مرور زمان با خرابی، مجدداً توسط افرادی بازسازی شده است.

نام برکه ها به ترتیب عبارتند از؛

۱- برکه نجات، جنوب کارخانه شن و ماسه فعلی

۲- برکه محمد علی (محدعلی)، روبروی دره هشتاد تیری

۳- برکه برمشییر، در فاصله کمی از برکه محمدعلی که روبروی آن دره ی برمشییر است

۴- برکه مشهدی کرم ابن عباس نرسیده به بُن سیرو

- جنوب فارس-سیرو- جنوب کرمان: عشایر ایل عرب و بهارلوی خمسه فارس از مسیر تارم، گنج، برآفتاب، دورودی، دره ی برمشییر، دق فده (پده)، چاه ثواب (ساوا)، کُل ترکی به سمت دهنه ده شیخ، رودان و رودبار تردد می کردند و بهارچران این عشایر نیز این منطقه بوده است. انتهای دهنه ی ده شیخ به سمت چپ مسیر آرزوییه و به سمت راست آب کرایه و روستای ده شیخ قرار دارد.
- تردد به حاجی آباد: ۱- مسیر نخلستان و رودخانه شور در بخش شمالی روستا و در ادامه از روی کوه کلوک مسیر سِکوهین (sekuhen: سه کوه یا برجستگی طبیعی در کوه شبیه کوهان شتر) وارد بخش جنوبی حاجی آباد می شدند.

۲- دق فده (پده)، در بخش شمال غربی روستا و در ادامه با گذر از مسیرهای؛ او تلخو در شیله فسیلی (آب تلخ رودخانه)، دره برمشییر، تار بادامی، مَغ زار (نخلستان روبروی کافه قدیم حاجی آباد) و قنات خيرو (به اسم زنی بوده است) از بخش جنوب غربی (رودخانه نزدیک قلعه) وارد حاجی آباد می شدند. مَغ زار اسم مرکب: مَغ (نخل) + زار (این پسوند ویژه مکان است و بر انبوهی و محل رویش گیاهی خاص دلالت می کند).

- تردد به گهکم و تارم: مسیر عابرین جهت تردد به گهکم و روستاهای ناحیه تارم از بخش جنوب غربی کوه به نام دره هشتاد تیری بوده است. این مسیر برای قافله مناسب نبوده و وجود تعدادی خمره بزرگ ذخیره آب که از زمان قدیم در این محل چال شده و هنوز آثار آن وجود دارد خود موید این مساله است.



- تردد به بندرعباس: بین شمیل و آشکارا از طریق کوه «مورتوییه: murtuiyeh» به سمت سیرمند، که در ادامه دو راه وجود دارد، اولی مسیر خرسین، برجهر، زاکین، درگز و دو راهی سیاهو. مسیر دوم بعد از سیرمند، دق فینو، آبماه، خاشنگاه، آب شیرین و دو راهی سرزه و رضوان.
- مسیر کوچ عشایر کرمان به آبادی های شمالی فارغان: عشایر کهن سیاه، ارشلو و بلورد نیز در فصل پاییز از مسیر دهنه ده شیخ به این آبادی می آمدند و فصل پاییز و زمستان را مهمان مردمان خونگرم این ناحیه بوده اند. امروزه نیز بخشی از این عشایر فصل پاییز تا بهار در مراتع دامنه غربی کوه سیرو زندگی می کنند.

۱-۵- محدوده روستا:

از سمت شمال به رودخانه شور و کوه کلوک، از جنوب به کوه سیرو، از بخش جنوب غربی به دامنه دره هشتاد تیری (گود تول) و از بخش جنوب شرقی کوه به دره ی مورت محدود می شود. (حبیب سالارحسینی به نقل از کرم سالارحسینی در جلسه بین نماینده ی (پرویز زند) حکومت سبعة (جات) و بزرگان سه روستای سیروویه، جایین و شمیل بالا). در قسمت شرقی روستا مزرعه گورکی (قلعه کهنه) و در ادامه روستای جایین، و در بخش غربی زمین های مهتری و دق فیده (پده) قرار دارد.

بخشی از مطالب نوشته شده در در تقسیم نامه شماره ۴۴ تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ حدود شرقی سیروویه؛ خط اول: محمدخان سالاری (محمدشاه سالارحسینی) کدخدای سیروویه (سیروویه) و ملا محمد حسین (حسین سالاری) کدخدای جائین (جایین) چون در قراردادی که طرفین باین اداره تسلیم کرده اید... در خط ششم تا نهم این چنین توضیح داده شده است: ۱- روبروی دره خشک از اول شيله (رودخانه) که آب آن از دره ی مورت میآید (می آید) تا حدی که شيله به طرف شمال غربی منحرف می شود (سیروویه) به طرف شمال شرقی رفته (جایین) انتهای آن اول کورک و شوره زار کورک سربریده است. طرف غرب شيله حدود منجی کاری (منجا- محل کشاورزی) اهالی قریه سیرویه (سیروویه)... در صفحه دوم امضا: نیابت حکومت سبعة پرویز زند، چراغعلی کدخدای شمیل، محمد حسین سالاری کدخدای جایین، محمد حسین امیری شمیلی. (عکس در فصل دهم).

۱-۶- نام بعضی از مکان های سیرو از غرب به شرق:

نام بیشتر مکان ها برگرفته از اولین شخص آبادکننده زمین، نوعی ویژگی جغرافیایی نظیر وجود آب زیاد، رخداد مهمی درباره ی کسی، وجود گونه گیاهی خاص و غیره است.

اسامی مکان ها به ترتیب از غرب به شرق طبق گفته اهالی چنین است.

-دره ی برمشر (darreye Barme.šir): این دره روبروی دره ی گم اسپیری و در فاصله ی طولی ۷۰۰ متری از جاده آسفالت سیرو-فارغان و خط عرضی ۲۸ درجه و ۱۲ دقیقه و ۳۹/۶۷ ثانیه شمالی و خط طولی ۵۵ درجه و ۵۴ دقیقه و ۴۳/۱۴ ثانیه شرقی در ارتفاع ۸۳۵ متری از سطح دریا قرار دارد.



برم به معنی محل تجمع آب باران یا همان برکه (فرهنگ آندراج). در استان خوزستان و شهرستان هفتگل نیز تالابی به نام «برم شور» وجود دارد.

-روایت شفاهی: نام این برکه برگرفته از نام «بهرامشیر فرزند سالار؟» یکی از اهالی قدیمی این روستا بوده که با همراهان خود جهت شنا به آبگیر درون این دره می روند و طی حادثه ای در آبگیر این دره غرق و به مرور این دره به «بهرامشیر: بهرامشیر: برمشیر: برمشیر» معروف می شود.

(شرح این موضوع توسط یکی از اهالی گهکم به فردی به نام فرامرز سالارحسینی نقل قول شده، وی مدعی است؛ در یکی از آثار سدید السلطنه کبابی (کتابخانه جاسک) به این موضوع اشاره شده است، و چون مطالعه آن کتاب مربوط به چندین سال قبل بوده (حدود ده سال پیش) نام دقیق کتاب را به یاد ندارد!)

*-دق فده/دق پده (daq feda): باغ و نخلستانی در دشت کویری و خشک بخش شمال غربی روستا است. کلمه پده احتمالاً به مرور به فده بدل شده است. دق با توجه به موقعیت جغرافیایی آن گمان می رود «دغ» بوده باشد. معنی «دغ» بفتح اول و سکون ثانی، زمین بی علف یعنی زمینی که هرگز در آن گیاه نرسته باشد. (م-ش ۴۶: برهان-ص ۸۶۸).

در بیشتر منابع علمی دغ را با دال و قاف به کار برده اند. در واقع به طور خلاصه دق زمین های رسی بسیار همواری هستند که فاقد نمک اند و سطح آنها از مواد کربناته سفید می شود به همین دلیل این مناطق غالباً روشن و براق و گاهی نخودی است. قدر مسلم دق در کشور ما ریشه دیرینه و کهن دارد به عنوان مثال شهر دو هزار ساله «جندق: جنب دق» (م-ش ۸۱: سلوتی، بابانیانوری، ص ۲۳ و ۲۴). معنی پده: غرب، درخت بی بر، محلی بین بندرعباس و کرمان، بید صحرائی (لغت نامه دهخدا). -مردم کرمان، زمین بی آب و گیاه را «دَق» نامند. (م-ش ۸۸: وزیری، ص ۲۹۰).

-دق فده، باغ و نخلستانی آباد با خانه های گلی و قبرستان بوده که در این محل مردمی عرب زبان زندگی می کردند. (روایت از: آزاد بنارویی به نقل از پدرشان و ریش سفیدان قدیم-۱۴۰۱/۰۴/۲۱).

-مهتری (mehtari): زمین های کشاورزی بخش شرقی «دق فده». مهتر به معنی نگهبان اسب است. (م-ش ۲۹: سروشیان).

-مهتری: محل زندگی حاکم و افراد بزرگ. مهتری: (م ت) (حامص مرکب) بزرگتری/فزوننی به سال از دیگری/سروری/ بزرگی و ریاست و فرمانروایی و سالاری (ناظم الاطباء)/ ریاست (فرهنگ دهخدا).

به دلیل اینکه آبادی اولیه و بیشتر زمین زمین های زراعی در گذشته مربوط به ناحیه غربی روستا بوده و این بخش از نظر سطح زیر کشت در مقایسه با زمین های مجاور، یک تکه و وسیع تر بوده به آن «مهتری» گفته شده است.



-زمین های تکه تکه بخش شرقی زمین احمد شامل: (قدمگاه پیر کهور، سُختی، نوشادی، ناک صیفو (سیفو)، رضای، شه میری، کهور مهدی، کهنی و کلایه).

-سُخته ی (soxtey)

روایت عامیانه: در گذشته های دور در این محل درختان «کهورک» زیادی وجود داشته که کشاورزان جهت استفاده از زمین برای مقاصد کشاورزی درختان را می سوزانند. به همین دلیل به «سُختی» معروف می شود.

-این زمین نسبت به زمین های مجاور بافت آن کمی شورتر است. در گویش لری (لیراوی) نیز به زمینی لم یزرع و شوره زار «سوخ» می گویند. (م-ش ۸۲: خواجه گیری). واژه «سُختی» از ریشه «سوخ» و به معنی زمین شوره زار در ناحیه ای محدود باشد.

-ناک صیفو (nâk-e-seyfu): بخشی از زمین های زراعی غرب سیرویه که به کشت صیفی جات اختصاص داشت. شاید نام گذاری به «ناک صیفو» به معنی محل مناسب کشت صیفی جات بوده است. یک معنی ناگ به گویش بلوچی به معنی سرسبزی است. این احتمال نیز وجود دارد که برگرفته از نام شخص و مخفف نام سیف الدین یا سیف الله باشد.

-قلعه کافران: محلی است در قسمت جنوبی زمین های «رضا و سُختی» و در نزدیکی کوه. در حال حاضر از کاربری و قدمت آن هیچ اطلاع مکتوبی در دست نیست شاید با تحقیق در منابع بیشتر بتوان به نتایج مطلوبی رسید.

-کوه کلوک (kaluk): کوه های بخش شمالی روستا که حالت پستی و بلندی تقریباً یکنواخت دارند.

۱-کلوک: «کلوت: kalut»: به معنی کوه سنگی و فاقد پوشش گیاهی و درختی بدون قله شاخص و دارای پستی و بلندی تقریباً یکنواخت، «ت» بدل به «ک» شده است مانند پوت: پوک. گل مترادف «چاله، طاس، بی مو» است.

۲-کلو (kelow): تپه یا پشته کوچکی که در میان صحرا واقع شده باشد. (م-ش ۱۲۴: علیرضایی-ص ۱۶۵). به معنی «کوه کوچک» به سبب مقایسه با رشته کوه های جنوبی

-کَلوک (koluk): کودک < تا یکی خُم بشکنند ریزه شود سیصد سبو تا مَرِد پیری بپیش او مَرِد سیصد کَلوک (م-ش ۱۱۲: فُرس-ص ۳۰۳). با توجه به توضیحات بالا نشان دهنده ویژگی یا صفت است که معنی «کوه کوچکتر» را می رساند.

-واژه «کل» به معنی کوه در جاهای دیگر: کلبر: کنار کوه در ازناز لرستان، کلاک: قله ای در استان البرز، کل تپه: تپه کوهستانی در بوکان. وجه تسمیه «کلوک» به معنی کوه های با ارتفاع کم و تپه مانند که پوشش گیاهی و جنگلی ندارد.



-کهنی و کلایه (kahni-o-kelaya): در گذشته این ناحیه دارای قلعه ای بوده است (به نقل از آگاهان قدیم) که بر اثر گذشت زمان تخریب و از بین رفته است. در طبری نیز «کلا، قلا، کلاته، کلایه» به معنی ده و قلعه است. (م-ش ۴۴: رپ-ص ۲۳۱۵-ش ۴۲۷۰) و همچنین کلایه به معنی؛ محل، ده و جایگاه است. (م-ش ۱۳۹: مجیدی-ص ۱۳). کهن <kahun-ku.han-kuhun: قدیم، دیرینه (نفیسی). کهنی و کلایه: قلعه یا آبادی ساکنان قدیمی است.

-گَز دو غازی: درخت گزی است که ما بین زیارت آقای سید و بُن سیرو است. دلیل دو غازی نامیدن آن این بوده که در زمان قدیم یکی از اهالی هنگام کشاورزی در کنار این درخت دو کوزه حاوی «سکه غازی» می بیند که از آن به بعد به گز دو غازی معروف می شود. سکه های مسی را «غازی یا غازی بکی» می گفتند که ۱/۱۰ شاهی بود.

-شای باد (šâyê bād): محلی در غرب سیرو که در گذشته باغ بزرگ و آبادی از درختان نخل و آثاری از زندگی (قبور و خانه های سنگی) در آن محل وجود دارد.

«شه» به معنی محلی که باغ و درخت و مخصوصاً خرما زیاد باشد. (م-ش ۸۷: مریدی-ص ۸) < مفهوم: آبادی که درختان نخل و باغ در آن محل وجود دارد. (شه: شاه). -شای باد (شاه آباد): باغ بزرگ و آباد

-شای باد: شاه آباد: یعنی محلی که توسط شخص بزرگ و دارای منزلتی آباد شده است. مثال محداوا: محمد آباد. همچنین «شاهانی» یعنی بزرگترین (ارتفاع) نخل مانند شاه تیر یا شاه راه.

ناری (nâri): زمین های همجوار «شاه آباد» که در گذشته شامل باغ و نخلستان بوده است. شاید دلیل نام گذاری به «ناری» شکل گیری آن در کنار رودخانه های فصلی باشد. نار: نهر، رودخانه- ابدال «ه» به «ا» اکدی قدیم: nârum: river: رودخانه. (م-ش ۱۳۳-ص ۱۹۰).

-زمین های مجموعه موتور معروف به سلامتی: عباسی، چاه باغ، شوره ی، مراد آهنی، آقای سید (نام زیارتگاهی)، ناری، سالارغریبشاه، مورودی.

-مورودی (murudi): زمین هایی بوده در بخش شرقی زمین های سلامتی که کدخدای سیرو «سالارعباسقلی» در این محل مبادرت به کاشت درخت نخل پیارم کرده بود. در نزدیکی این محل درخت کنار قدیمی و تنومندی نیز وجود دارد.

-آقای حاجی: زیارتی در ضلع غربی خانه های ساکنان روستا.

-نخلستان محداوا یا محدابا: شامل چینه های احمد، میراشکال، نصرالله، نصراللهی و عزیز است. به سبب آباد کردن این نخلستان توسط فردی به نام «محمد» «محمدآباد» نام گرفته است. بعضی کلمه ها در گویش محلی به هم بدل می شوند مانند: «ب» به «و». آب: او، شب: شو، عباس: اواس- نام دیگر محمدآباد: مَهَره ی شاهانی (فصل دهم اسناد).



-موتور ۱۲ امامی: تلمبه آب دیزلی در آبادی که توسط عده ای از اهالی در تاریخ ۰۱ مهرماه ۱۳۴۶ در نزدیکی محل درخت کُناری به همین نام و پشت منزل فردی به نام «محمد علی درویش» به بهره برداری رسید.

-بندِ پیمَجی (band-e pimaji): مجموعه چند ده بوته نخل در جنوب آبگیر(چیل) و مابین چینه ی «لُشتی» (گونه ای خرما) و محمدآباد. «پیم جان» مزرعه نخل در جنوب کرمان (قلعه گنج) است. (م-ش ۴۳: فرمانفرما-ص ۲۹۶). «پیم جان» گونه ای خرما ی زرد رنگ بی کیفیت که گوشت چندانی ندارد و بیشتر خوراک دام است. (روایتی از: علی مومنی، قلعه گنج).

-زمین دلاکی (dallâki): در گذشته کنار این زمین گاوچاهی بوده؛ که روز عروسی، داماد را در این محل اصلاح و حمام می دادند. یک معنی واژه دلاک در فرهنگ فارسی معین سرتراش یا سلمانی است و گمان می رود نام گذاری نیز بر همین اساس باشد.

-سلا محدانی: برگرفته از نام «سالارمحمد» فرزند «مشهدی آهن» است که پایه گذار آبادانی این زمین ها بوده است. این زمین ها قبل از زمین های «ملخی» واقع شده است. در گویش محلی سیرو بعضی از کلمات به صورت شکسته ادا می شوند (سالار: سلا، محمد: محد، آهن: آن) <سلامحدان.

-آدوری (âduri): زمین هایی واقع شده در بخش شرقی نخلستان قدیم و برگرفته از نوعی درختچه بیابانی با خارهای سوزنی به نام «آدور» شرح بیشتر درباره این درختچه در بخش گیاهان. -ملاحیدری: برگرفته از نام فردی به نام ملاحیدر.

-ملغی(ملخی)/درمنه ای: زمین های شرقی ملاحیدری که در آن گیاه درمنه و «ملخ» زیادی وجود داشته است.

-سلاسینی (salâ seyni): بعد از زمین های موسوم به ملخی و به سمت شرق زیر شیله (رودخانه) بنگلا (گونه ای درخت). آبادی این زمین ها توسط فردی به نام «سالارحسین» بوده است.

-کورکی (kowraki): زمین های کشاورزی سمت شرق سیرو که آغاز آن از شیله «بنگلا» به سمت شرق است. عموم دلیل نامگذاری را وجود انبوهی از درختان کهور (کورک) می دانند. در قبرستان و زمین های زراعی این بخش آثاری از تکه های مذاب سرد شده مشاهده می شود. با توجه به وجود آب و خانه های ساروجی (بنا به گفته ی سالمندان) مربوط به دوره های قبل (۱۳۰۰) این احتمال نیز وجود دارد که کوره آهنگری در این محل وجود داشته است. کور: کوره آهنگری که از گل ساخته شده باشد. اکدی: kuru. (م-ش ۱۳۲: عربی-ص ۷۸۴) < کور + کی: محل کوره. نشانه هایی از مذاب سرد شده به صورت توده انباشته در نزدیکی دامنه کوه نیز وجود دارد.

-گود گربه ی (gowd-e-gorbey): بنا به گفته کشاورزان در این ناحیه گودال بزرگی بوده که درون آن دو گربه مشاهده شده و به همین نام باقی مانده است.



گمانه دیگر: با توجه به اظهار اهالی قدیمی مبنی بر سکونت داشتن «گبرها» در این نواحی شاید «گود گبری»: gowd-e-gabri یا گود گورو: gowd-e-gurow بوده باشد، یعنی محل زندگی ساکنان گبری یا زرتشتی که به مرور در گویش عامیانه «گبری یا گورو» به گربه بدل شده است.

در محدوده این مکان، زیارت «شاهزاده محمد» قبور قدیمی و آثاری از زندگی ساکنان قبلی وجود داشته که به مرور با توسعه زمین های کشاورزی بناها تخریب می شود.

-چاه ثواب: محلی که از شمال روستای سیروویه شروع می شود و تا بخش شمال شرقی جایین ادامه دارد. بعضی از اهالی این دو روستا از چندین سال قبل در این مکان به کشاورزی می پرداختند و در حال حاضر مستقل است.

گمانه ها درباره ی معنی «سواب»: ۱- به دلیل دور بودن از آبادی سیروویه و جایین و همچنین قرار گرفتن در مسیر تردد مسافران بین جنوب فارس و جنوب کرمان جهت تامین آب مورد نیاز مسافران یا دامداران و برای ثواب چاهی حفر می شود و «چاه ثواب» نامیده می شود.

۲-چاه «سوا: savâ» به معنی محل کشاورزی «جدا و علی حده» نسبت به سایر زمین های کشاورزی این دو روستا که به مرور در گویش مردم به سواب بدل شده است. ۳- در گویش بختیاری «ساوا: sâvâ» و لری ثلاثی «سِوَه: sevah» به معنی (بچه، حیوان، میوه) نارس است. شاید وجه تسمیه «سواب» به معنی محل بایری است که قابلیت کشت داشته اما در گذشته به دلیل نبود امکانات و در حاشیه و دور بودن از آبادی رشد و پیشرفتی نداشته که در نتیجه «ساوا (سوا)» نامیده شده است.

-غدیروئی (yadironi): به محل های تجمع آب در بخش شمالی آبادی گفته می شد. راه یکی است و گرد بر گرد بیشه و آبها و غدیرها و جویها (دهخدا- تاریخ بیهقی چ ادیب ص ۴۶۶). جای جمع شدن آب باران در بیابان (م-ش ۱۱۳: عمید-ص ۷۲۱). هر کسی شعر سرایند ولیکن سوی عقل....دُر به خرمهره کجا ماند و دریا به غدیر؟ غدیر: کولاب، برکه (م-ش ۱۳۲: مشکور-ص ۶۰۰).

*بعضی از زمین ها به مرور به افراد دیگری فروخته شده است اما با همان اسامی اولیه شناخته می شوند.

۷-۱- جغرافیای طبیعی

۷-۱-۱- مرتع

یکی از موارد مرتبط با آبادانی هر ناحیه ای بخش دامپروری و حفظ چراگاه ها است. چراگاه های طبیعی در این روستا بیشتر زمین های دشت و دامنه کوه بوده، که شامل انواع گیاهان علفی، بوته ای و درختی است.



۱-۷-۲-رودها:

رودخانه های زیادی در روستا وجود دارد که از کوه سرچشمه می گیرند. این رودها با بارش باران های فصلیه صورت موقت فعال می شوند و سیلاب های جاری شده از این رودها به رودخانه شور در شمال آبادی و یا به زمین های کشاورزی می ریزد.

-رودخانه آب شور در بخش شمالی روستا قرار دارد. این رودخانه که از کوه های فارغان (نارمند) شروع و همراه با بارندگی های فصلی در مسیر گذر از روستاهای ناحیه فارغان از طریق رودخانه هایی که از کوه سرازیر می شوند پر آب و با گذر از بخش شمال غربی سیرویه به دورودی و روستای معدنویه می رسد. در ادامه با یکی شدن با رودخانه های دشت تارم و ناحیه ی فین از غرب بندر خمیر به دریا می ریزند.

۱-۷-۳-پوشش درختی و گیاهی:

پژوهش هایی در راستای شناسایی گونه های گیاهی و درختی نقاط مختلف استان هرمرگان انجام شده است اما امید است با پژوهش های تخصصی تر توسط استادان و دانشجویان علاقمند به منابع طبیعی درباره ی سایر رویشگاه ها و شرایط اقلیمی نقاط شمالی و کوهستانی این استان (سیرو تا فارغان)، بتوان اطلاعات مربوط به ساختار جنگل ها را کامل تا علاوه بر حفظ و احیای اکوسیستم به توسعه آن نیز کمک کرد. این ناحیه به دلیل کوهستانی بودن شامل گونه های سردسیری و گرمسیری است. بدلیل ارتفاع، وضعیت دمای هوا، رطوبت و خاک تا اندازه ای متفاوت است. درختان گنار و کهور ایرانی به دلیل مقاومت به خشکی همیشه سبز، و گزینه ی مناسبی در این ناحیه برای احیای جنگل ها و مراتع است. با وجود خشکسالی چند ده ساله با بارندگی های سالانه ی نسبتا کم منطقه در طول سال سبز هستند.

پوشش گیاهی منطقه شامل گیاهان و درختان روئیده در دشت و کوه است. بعضی از آنها کاشتنی و برخی دیگر خودرو هستند.

-پوشش گونه های درختی خودرو در کوه شامل: *کسور، بادام کوهی، زیتون وحشی، بنه، بید، مورت، انجیر کوهی، گیش، اُرس، آرچن و کهکم است.

-درختان و درختچه ها و گونه های خودرو در دشت عبارتند از: سدر (گنار)، بَنگِلا، گز شوره زار، کِرته، کهورک (kow.rak)، کُنِسک، کِنِتو و زِرُک. در حاشیه رودخانه های فصلی و آبگیر بخش شمالی نخلستان (چیل) برخی گونه هابه صورت انبوه و برخی دیگر به صورت پراکنده دیده می شود. این گیاهان به مرور زمان توسط ساکنان جهت تامین سوخت مورد نیاز و توسعه زمین های کشاورزی بریده شده و در حال حاضر نیز به دلیل خشکسالی های پی در پی به صورت درختان تک در زمین های زراعی مشاهده می شود. از گز شاهی به عنوان نشانه مرز بین دو زمین و ایجاد بادشکن در بخش جنوب زمین ها و حاشیه جوی ها به صورت ردیفی استفاده می شود.



- گیاهان دارویی در بخش دامنه کوه تا ارتفاعات میانی شامل: جفت، گیس پری، چلموک، شممبو، زونگ (گون)، پونه کوهی، اسطوخدوس، گل گاوزبان، آویشن استکو، آویشن شیرازی، شکر قلم، بومادران، آنگوزه، اسپند کوهی، درنپیچ، درمنه، مورتلخ، بوغیچ، سپستون و زیره سیاه (دره خشک و کم خاکی تا بالای کوه) است که مردم از آن استفاده می کنند.

- گیاهان دارویی خودرو در دشت شامل: مریم گلی، خارخسک، خارشتر، خارو (تربچه وحشی)، گل نوروزی، سرزردو، خارزردو (گلرنگ)، نعنا، بابونه، کلپوره، پودنه (پونه)، دهک، مهکوت (شیرین بیان)، گلنجک (هندوانه ابوجهل)، مورتلخ، خارشتر (آدور) و درمنه است.

- میوه و برگ پخته بعضی از درختان مثل: بنه، *کسور، بَشندر، برگ انجیر کوهی، برگ تازه رز قابل خوردن است.
- سبزی های خودرو در دشت شامل: سَمسیل، لُو سیرو، پنیرک، بش مولدو، سلمه، کره مارو، غُلِفِه (خُلِفِه) و ناغربه صورت خام و پخته مصرف می شود.

- درختان کاشتنی شامل: گونه های مختلف نخل، گل محمدی، گز شاهی، انجیر، انار، انگور، توت سیاه و سفید، شمشاد و اکالیپتوس است. این گونه ها نسبت به کم آبی، گرما و شوری آب و خاک مناسب بوده و با برنامه ریزی بهتر و کشت مکانیزه می توان علاوه بر رونق تولید به احیای طبیعت نیز کمک کرد.

- گیاهان صنعتی و سوخت: بنه، کورک، کنار، گز، بنگلا، بادام کوهی. در گذشته از برگ و ریشه ی آنان جهت رنگ آمیزی مشک و نخ و از شاخه ی این درختان جهت درست کردن دست ساز و از چوب آنان نیز به عنوان هیزم برای سوخت استفاده می شده است.

- رنگرزی: بعضی از گیاهان جهت تهیه رنگ کاربرد داشته است. رنگ سرخ و انواع آن: جوشانده پوست انار، ریشه ی کورک، ریشه ی کنار، گیاه جفت، پوست بادام تلخ (مزغو)، کوبیده ی میوه «رزوک»- رنگ سیاه: شیره تنه ی کورک و کنار- رنگ زرد و انواع آن: جوشانده ی پوست لیمو.

۱-۸- شرحی مختصر درباره ی بعضی از درختان خودرو و کاشتنی

۱-۸-۱- اُرس یا وُرس یا سرو کوهی

نام محلی: اُرس (a.wors)، نام علمی: (Juniperus) سرده ایست از رده نازوئیان تیره سرویان که در بردارنده بیش از ۵۰ گونه متفاوت است (م-ش ۵۵ ک میر حیدر-ص ۱۸۳). ۵ گونه آن در سه دیسه درختی و درختچه ای و خزنده در ایران یافت می شود (محیط کوهستان). سرده ای بسیار با ارزش و دیرزی از تیره سرو است این درخت همیشه سبز، در مناطق کوهستانی و با ارتفاعی بیش از ۲۵۰۰ متر می روید. (ویکی پدیا).



از مهم ترین دلایل پراکندگی وسیع جنگل های «اُرس» در کشور می توان به مقاومت زیاد در برابر شرایط کم آبی، سرما و یخبندان های شدید، خشکی هوا و تغییرات اقلیمی اشاره کرد. به علاوه گونه های این جنس توانایی حضور در نواحی مرتفع کوهستانی، صخره ها و شیب های تند و پرتگاه ها را نیز دارند (م-ش ۵۴: محمدنژاد کیاسری و همکاران ۱۳۸۸).

سیستم ریشه ای اُرس عمیق و گسترده است. این ویژگی سبب حفظ ساقه و تاج درختان در برابر بادهای شدید و برف های سنگین می شود. (م-ش ۵۳ و ۵۴: زارع، ۱۳۸۰- محمدنژاد کیاسری و همکاران ۱۳۸۸).

گونه های اُرس کند رشدند و سبب جلوگیری از فرسایش خاک در ارتفاعات، پناهگاه های حفاظتی برای تخم پرندگان و بذر های سایر درختان می شوند. (م-ش ۵۴: محمدنژاد کیاسری و همکاران ۱۳۸۸).

ریشه این درخت به گونه ای است که در دل سنگ های مستحکم نفوذ کرده تا به آب برسد از این جهت به آن در زبان محلی اُرس (اُ+رس: جست و جوگر آب) می گویند. درخت «اُرس» در گذشته به دلیل داشتن چوبی مستحکم در ساختن پوشش سقف خانه ها و برپایی کپر ها استفاده می شد. سرو کوهی درخت یا درختچه ای همیشه سبز است که بین ۵ تا ۲۰ متر ارتفاع دارد. قطر تنه این درخت بین ۳۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر است. شرایط نگهداری از درخت سرو کوهی:

۱- نور: بهتر است در جای آفتابی قرار داشته باشد.

۲- خاک: این درخت در اکثر خاکها می روید اما برای رشد بهتر، خاک باید مرطوب باشد و خوب زهکشی شده باشد.

۳- این درخت در برابر خاک آهکی مقاوم است.

۴- آبیاری: خشک تا متوسط.

۵- دما: دمای بین ۸- تا ۲۱ درجه مناسب است. این درخت برف و سرمای زمستان را به راحتی تحمل میکند.

رویش گاه درخت «اُرس» در هرمرگان نقاط مرتفع کوهستانی است که در امتداد رشته کوه های زاگرس جنوب شرقی واقع شده اند. ارتفاع این درخت در «کوه سیرو» بین ۳ تا ۱۴ متر قابل مشاهده است.

۱-۸-۲- کیکم یا کرگو

نام محلی: کهکُم (kah.kom)، نام علمی آن: (*Acer monspessulanu*) نام یک گونه از سرده افرا است. از گونه های پهن برگ مناطق نیم خشک سرد است که حفظ آن به عنوان یکی از ذخایر توارثی گونه های جنگلی، از اهمیت خاصی برخوردار است. در ایران زیرگونه هایی تحت عنوان های کرکو، کی کف یا کیکم کردستانی وجود دارد.



1-(subsp. Assyriacum-Pojark-Rech.f.1969)

2-(subsp. ibericum (M.B.) Yaltrik.1967) /، کهوک یا کیکم قفقازی

3-(subsp. Turcomanicum-Pojark- Rech.f.1969) ، سیاه کرکو یا کیکم ترکمنی

4-(subsp. cinerascens –Boiss- Yaltrik 1967) کیکم

و کهکم یا کیکم ایرانی (subsp.persicum-Pojark-Rech.f.1969) که انحصاری ایران است وجود دارد. (م-ش ۵۷: ثابتی).

در روستای سیرویه گونه ای کیکم وجود دارد که از ارتفاع ۹۵۰ تا ۲۰۰۰ متر از سطح دریا در دهنه سیرو به صورت تک درخت، و در ارتفاع ۲۶۰۰ متر به صورت جنگلی به همراه درختان اُرس قابل مشاهده است. ارتفاع این درخت در حدود ۳/۵ متر است. سایر گونه های درختی همجوار آن بادام و بنه است که در فاصله های ۳۰ تا ۵۰ متر از یکدیگر قرار دارند.

برخی منابع فارسی (*Acer monspessulanum*) را کیکم دانسته اند و برخی دیگر منابع آن را کرکو دانسته اند و واژه کیکم را برای (*Acer cinerascens*) به کار برده اند. (م-ش ۵۸: هاشمی، ۱۳۸۰).

-خصوصیات گیاه شناسی (<http://nargil.ir>): برگ ها لوبدار با لوب های غالباً کوتاه و پهن و با لبه کنگره ای و در سطح تحتانی کم و بیش با کرک های دائمی و شامل ۳-۵ برگچه نوکدار با نوک تیز و قاعده گرد و حاشیه صاف است. رنگ برگ های نارس سبز روشن و برگ های رسیده سبز تیره به طول ۳/۵ تا ۴/۵ و پهنای ۳ تا ۴ سانتیمتر است. دمبرگ ها به رنگ سبز مایل به زرد و به طول ۳ تا ۳/۵ سانتیمتر می باشند. گل ها دوجنسی و خودگشن به رنگ زرد متمایل به سبز، که همزمان یا بعد از اولین برگ های بهاری ظاهر می شود، به صورت مجتمع، دیهیم یا آویخته، و موسم گل فروردین و اردیبهشت است.

میوه فندقه بالدار دارای دو بال به شکل ۸، از نوع دی سامار یک برچه ای به طول ۱/۵ تا ۲/۵ و به عرض ۱-۱/۵ سانتی متر با ضخامت حدود ۰/۵ سانتیمتر با برونبر سبز روشن است که در سطح بیرونی بدون کرک و در سطح درونی با کرک های انبوه است و در تابستان می رسند.

بذرها به تعداد یک دانه به شکل گرد و سبز رنگ و به قطر حدود ۳ تا ۵ میلیمتر است. که در انتهای به هم رسیده بال میوه قرار دارد وزن هزار دانه بذور کیکم بین ۳۰ تا ۵۰ گرم است. بذر اکثر افراها در پاییز می رسند قبل از کاشت اگر بذر به مدت یک هفته در آب غوطه ور باشد و هر روز آب آن عوض شود در جوانه زنی مؤثر خواهد بود به طور کلی بذر افراها را نباید گذاشت که خشک شوند و موقع کاشت در عمق یک سانتیمتری با پوشش نازک از ماسه و در محلی سایه دار کاشته می شود.



شرایط محیط رشد: درخت کیکم در هر نوع خاکی به عمل می آید اما گونه کیکم در نواحی جنگلی و در خاک های گچی می روید که به بیشتر خاک ها و شرایط مقاوم است، اما گونه های مختلف آن در خاک های آهکی سازگارتر هستند و به آفتاب کامل نیاز دارند.

-کاربردها: شیره گیاهی این درخت دارای معادل ۲۴۰ تا ۲۷۰ گرم قند در لیتر است. برای استخراج شیره گیاه، معمولاً شکاف هایی در ساقه درخت، از ارتفاع یک متری زمین ایجاد می کنند و شیره حاصل را در ظرفی جمع آوری می کنند با جوشاندن این شیرابه به مدت چند ساعت مایع نسبتاً غلیظی با طعم مطبوع به دست می آید که با تغلیظ آن ماده غلیظ تری به دست می آورند که اگر این ماده حرارت ببیند و آب آن به کلی تبخیر شود به حالت جامد در می آید که همان قند است.

از شیره حاصل از درختان مذکور در کارخانجات قند، قند استخراج می کنند اما ارزش قند حاصله قابل مقایسه با نیشکر و چغندر قند نیست.

از چوب درختان جنس افرا در مبل سازی، تهیه لُت جهت پوشش خانه ها و تیر و تخته های کندوج (انبار برنج) استفاده می شود. برگ کیکم عموماً به مصرف تعلیف گاو می رسد.

۱-۸-۳-کنار:

درختی که با شرایط آب و هوایی این ناحیه بسیار سازگار و نسبت به خشکسالی و کم آبی مقاوم بوده، کنار است. رویشگاه این درخت در روستای سیرویه از حدفاصل دامنه کوه تا ابتدای زمین های شوره زار در بخش شمالی آبادی محدود می شود اما از سمت شرق و غرب به صورت پراکنده و با فاصله ادامه دارد. بدلیل استحکام بالای چوب، برای استفاده پوشش سقف، سوخت، ابزار کشاورزی، و از برگ کوبیده شده برای شستشوی سر و از ریشه آن برای رنگرزی در گذشته کاربرد داشته است.

-مشخصات گیاهی کامل درخت کنار (م-ش ۶۱: مقاله درخت کنار)

کنار با نام عربی سدر از درختان همیشه سبز به شمار می رود اما ناگفته نماند که سدر گیاهی متفاوت از تیره مخروطیان محسوب می شود، در بیشتر مناطق رشد می کند. در بخش وسیعی از ایران نیز آن را کاشته و به عنوان پوشش گیاهی از آن استفاده می کنند. نسبت به خشکسالی مقاوم است که از طول عمر بالایی برخوردار است طوریکه بیش از ۵۰۰ سال عمر می کند، جالب است بدانید که در برخی مناطق کنار را درختی مقدس می دانند که اگر به مناطق جنوب کشور سفر کرده باشید می توانید این درخت را در کنار آتشکده ها و سایر مکان های مذهبی و دینی مشاهده کنید.

از کنار های مقدس روستای سیریه می توان به کنار «سلطان شاه غیب» (م-ش ۲۱: فرهادی-ص ۳۲۴) در زمین های موسوم به ملاحیدری و «کنار الله» واقع در زمین های غرب آبادی معروف به «ناری» اشاره کرد.



گل های زیبایی به رنگ سفید و ستاره ای و میوه گرد و کروی به اندازه ۱ تا ۵ سانتیمتر تولید می کند که در فصل بهار قابل برداشت و استفاده می شود که طعمی همچون خرما نارس و همچنین سیب دارد.

-شرایط اکولوژیک رشد درخت کنار

درخت کنار برای رشد هر چه بهتر و باردهی بیشتر نیاز به شرایط محیطی ذیل دارد.

ارتفاع: ارتفاع این گیاه بسته به ارقام و واریته های مختلفی که دارد متغیر و بین ۵ تا ۲۰ متر است.

نور: گیاهی کاملاً آفتاب دوست به شمار می رود که برای رشد و نمو نیاز به نور کامل خورشید دارد.

دما: دمای مناسب برای رشد این گیاه ۲۵ تا ۳۵ درجه سانتی گراد است که اگر دمای هوا بیشتر باشد روند تشکیل میوه گیاه کاهش پیدا می کند و دمای پایین زیر صفر و یخبندان نیز باعث آسیب به شاخه های جوان می شود. در برابر وزش بادهای سنگین مقاوم است به همین دلیل به عنوان بادشکن عمل و برای این منظور مناسب است.

خاک: در گستره وسیعی از خاک ها رشد می کند که البته شما می توانید برای رشد این گیاه از خاک های خنثی یا کمی قلیایی استفاده کنید تا درخت رشد بهتری را تجربه کند.

آبیاری: دارای ریشه های به نسبت عمیقی است به همین دلیل در برابر کم آبی مقاوم است و نیاز آبی کمی دارد طوریکه بدون آب نیز به حیات خود ادامه می دهد.

-خواص کنار:

از خواص درخت کنار می توان به موارد زیر اشاره کرد: دارای مقادیر زیادی کلسیم، آهن، منیزیم، فسفر، پتاسیم، سدیم، ویتامین C ، روی و ... است، طبع معتدلی دارد که البته برخی بر این باور هستند که داری طبعی سرد و خشک است،

به بهبود دستگاه گوارش و همچنین درمان یبوست کمک می کند، کاهش وزن و لاغری را برای شما به ارمغان می آورد،

باعث تقویت استخوان ها می شود، در بهبود گلودرد و سرفه مؤثر است، تصفیه خون و در درمان دیابت موثر است.

-موارد استفاده درخت کنار (م-ش ۶۰: www.sfim.ir)

- برگ: ضماد برگ کنار و شستن بدن در حمام با برگ کنار برای زخم ها، پاک کردن چرک بدن، تقویت موی سر، جلوگیری از ریزش مو و تقویت اعصاب بسیار مفید است. از برگ کنار برای ضد عفونی و تحمل بدن در درجه حرارت بالا و کاهش تبخیر پوست استفاده می شود. عصاره سدر به ویژه در مورد بیماریهای قارچی پوست اثر ضد قارچی دارد.



- ریشه: خوردن آب جوشانده و پخته ریشه مغذی و مفید است، حدود ۲۰۰ گرم ریشه را بیرون آورده، تمیز کرده و پوست آن را خراش داده و در آب ریخته و می جوشانند تا عصاره ریشه بیرون آید تا آب آن سرخ رنگ شود، پس از صاف کردن عصاره آن را می نوشند، عصاره ریشه برای چاق شدن بدن و درخشندگی رنگ چهره سودمند است.
- صمغ: صمغ پخته این درختان به منظور رفع شوره و خارش سر استفاده می شود.
- گل: زنبور عسل از گل گونه های مختلف کنار تغذیه می کند. از درخت کنار جهت جنگل کاری و بیابان زدایی، حصار و بادشکن استفاده می شود.

۱-۸-۴- سپستان

نام محلی: (سپستون: sepeston)، نام علمی: سپستان (*Cordia myxa*) میوه درختی است از تیره گاوزبان. برگ های آن بدون کرک، بیضوی (گاهی دارای نوک باریک)، منتهی به دمبرک دراز و گل های آن دارای جام قیفی شکل و مجتمع به شکل گرزن فاصله دار است. میوه اش شفت، به بزرگی گیلان و میان بر چسبنده ای به رنگ زرد دارد که پس از رسیدن کامل است. این میوه پس از خشک شدن خاکستری سیاه رنگ می گردد و مزه آن شیرین لعاب دار است.

قسمت مورد استفاده: از پوست برگ و میوه آن استفاده می شود. در ایران: در نواحی جنوبی ایران از جمله بندر چاه بهار، سواحل خلیج فارس، جزیره خارک و نواحی مختلف بلوچستان پراکندگی دارد.

مصرف: دم کرده (۵-۳۰) دانه برای نرم کردن سینه و گرفتگی صدا تنها یا مخلوط میوه و دانه های لعاب دار دیگر مصرف می کنند. (م-ش ۶۲: هانس، ص ۱۹۱)

خاک های با بافت سبک را بیشتر می پسندد، در رطوبت بالا عملکرد بهتری دارد و در ایران ارتفاع آن از ۳-۸ متر است. (م-ش ۶۳: پارسای طب)

کاشت و رویش آن در این ناحیه به صورت دستی است و از گذشته تاکنون رویشگاه آن در باغ ها و دهنه سیرویه است.

سپستان همچنین باعث کاهش فشار خون می شود... از این گیاه ترشی بسیار خوش طعمی به دست می آید.

۱-۸-۵- کهورک یا جغغه ایرانی

نام محلی: کُورک (kow.rak)، نام علمی (*Prosopis farcta*): نام یک گونه از سرده کهور است.

کهورک، خاص مناطق گرم و خشک (از جمله جنوب ایران) است و موسم گل دهی این گیاه اردیبهشت تا خرداد ماه است. میوه آن غلافی، به رنگ قهوه ای تیره، تخم مرغی شکل خمیده که بذرها در زمان رسیدگی و خشک شدن درون این حفره ها به صورت آزاد وجود دارند (م-ش ۸۰: ویستا) که هنگام حرکت دادن صدا می دهند. از اینرو به آن



جفجغه نیز می‌گویند. رویشگاه این درخت از زمین های غرب سیرو «مهتری» تا ابتدای زمین های «شوره ای»، اطراف چشمه و دهنه سیرو، نخلستان «محمد آباد» تا زمین های کشاورزی شرق روستا که به «گورکی» معروف است.

رویشگاه این درخت از بخش شمالی محدود به زمین های شوره زار «کفه» و از بخش جنوبی تا جایی که جنس خاک کلوخه ای و نرم و فاقد سنگلاخ زیاد است.

در حال حاضر درختان کهورک این روستا به صورت درختچه های بیابانی با ارتفاع (۱ تا ۳/۵ متر) و پوسته تنه بریده بریده در طول تنه و به رنگ سیاه با خارهای کوچک به اندازه ۳ میلی متر و غلاف قرمز رنگ قابل مشاهده است. غلاف قرمز رنگ لوبیایی شکل به طول هفت تا ده سانتیمتر و گونه دیگر در دشت که غلاف آن قهوه ای به طول پنج سانتیمتر است.

فضای سبز: این درخت در تمام فصل های سال سرسبز است.

اثر دارویی: از دانه آن به صورت ضماد جهت درمان زخم استفاده می شود.

۱-۸-۶-گز (french tamarisk)

درختچه ای زیبا با برگ های باریک، نوک تیز و فشرده است. ارتفاع آن بین ۱/۵-۲ متر یا بیشتر است. گل های کوچک و به هم فشرده آن که به رنگ سرخ است به شکل مجتمع و سنبله های دراز بر روی شاخه های بارک و کوتاه ظاهر می شود. دارای میوه ای پوشینه و بیضوی است.

مورد استفاده: پوست

زیستگاه و کشت: بیشتر در شوره زار ها، کنار آب رودخانه ها و حاشیه کویر ها می روید. (م-ش ۶۲: هانس-ص ۱۸۳) درختی است کهنسال، این درخت به علت رسیدن ریشه اش به آب سطحی زمین عمر طولانی دارد. غالباً بیشترین ارتفاع این درخت به ۱۰ تا ۱۵ متر می رسد. درخت گز از خانواده (Tamarix) است و در نقاط مختلفی از دنیا از جمله ایران می روید. به علت شور بودن برگهای آن فقط شتر و شترسانان از آن استفاده می کنند، اما برای تغذیه سایر حیوانات دیگر نامرغوب است (کوخردی).

در این ناحیه دو گونه گز رویش دارد. گز خودرو شوره زار با ارتفاع حداکثر ۳ متر و گل های قرمز و نوع کاشتنی با ارتفاع ۸ متر که به صورت ردیفی جهت بادشکن و حاشیه جوی ها و در مرز زمین های زراعی نیز به صورت تک درخت کاشته شده است.

-مصارف دارویی

از خاکستر این گیاه در درمان زخمها و سوختگی های سطحی و نیز جوشانده ۱۵-۳۰ در هزار آن در آب و گرد آن به مقدار ۲-۴ گرم در یک جوشانده استفاده می شود. (م-ش ۶۲: هانس-ص ۱۸۳).



گزر دارای طبعی گرم و خشک بوده و می توان از دم کرده مخلوط پوست آن با دارچین در جهت برطرف کردن سرفه های قدیمی استفاده کرد. برای بهبود دردهای معده با منشاء سردی می تواند مفید باشد. همچنین دم کرده مخلوط پوست این گیاه با دارچین می تواند در بهبود بواسیر موثر باشد.

می توانید برای تسکین درد دندان پوست این درخت را کوبیده و با سرکه مخلوط کرده و مزمره کنید. این کار همچنین بوی تعفن ناشی از چرک لثه را برطرف می کند. دم کرده درخت گزر در درمان خلط خونی سینه نیز موثر است. جوشاندن پوست گیاه گزر و مصرف آن می تواند باعث کنترل بیماری یرقان شود.

کاشت و پرورش درختان گزر می تواند در مناطق خالی از سکنه به کاهش وسعت بیابان ها کمک کند و علاوه بر آن این درخت یک ابزار موثر در جهت تثبیت و پیشگیری از انتقال خاک است.

چرا درخت گزر تهدیدکننده است؟

درخت گزر گیاهی تشنه و دارای سرعت تبخیر و تعرق بالا است، مقدار زیادی آب می گیرد و آن را در هوا آزاد می کند. این گیاه با گیاهان بومی رقابت می کند و می تواند زیستگاه ساحلی را جابجا کند. این باعث افزایش فرکانس آتش سوزی، تغییر هیدرولوژی جریان یافته، کاهش میزهای آب و افزایش شوری خاک می شود. (م-ش ۶۵: مقاله درخت گزر).

۱-۸-۷- بنه یا پسته کوهی

درخت بنه یا پسته کوهی با نام علمی (*Pistacia Atlantica*)، از سرده پسته بوده که گونه های مختلفی از آن وجود دارد. درختی است دو پایه، دارای برگ های تک شانهای (دارای ۱ تا ۷ برگچه) برگچه ها بیضوی تخم مرغی شکل، شکل میوه آن کروی به قطر حدوداً ۵ میلی متر، ابتدا صورتی سپس قرمز و در زمان رسیدن کامل، پوشش میوه سبز رنگ می شود. دانه های زرد و قرمز پوست سطحی آن خشک و دانه آن بدون مغز است که با ریختن درون ظرف آب این دانه ها به سطح آب می آیند. در این ناحیه بنه بیشتر در سراسیابی و دامنه کوه و رودخانه به صورت تک درخت قابل مشاهده است و حالت جنگلی ندارد. از میوه نارس و سفت نشده آن برای ترشی، از برگ آن برای رنگرزی و رفع بوی مشک استفاده می کردند. به صورت خودرو می روید و به ارتفاعی بین ۳ تا ۵ متر میرسد و در پاییز برگهای آن به رنگ نارنجی خوشرنگی در آمده و زیبایی خاصی را به محیط اطراف خود هدیه میدهد.

درخت بنه از نوع درختان سازگار با اقلیم و آب و هوای خشک و نیمه خشک است. متوسط عمر این درختان به ۳۰۰ سال می رسد.

کاربرد درخت بنه یا پسته کوهی: گل درخت بنه اخراپی رنگ (زرد مایل به قهوه ای) است و به صورت سنتی در رنگرزی استفاده می گردد.



بخار پوست درخت بنه کوهی باعث فرار حشرات در محدوده بخار قابل استشمام می گردد؛ همچنین برای درمان اسهال های مکرر از دمنوش پوست و برگ پسته کوهی استفاده می شود.

۱-۸-۸- بادام کوهی

نام محلی: آرچن (arčen) و ثمر آن مغزو (maγ.zu) گویند، نام علمی درختچه: (Amygdalus Lycioides Spech) است. نام های دیگر بادام کوهی در کتب طب سنتی، بادامک، بیو، ارجن، ارژن، بادامچه، بوخورک، ارجنک، بیف، اقچالی، قره چالی و تنگرس نامیده شده است. تیره گیاه: گل سرخ (Rosaceae). بادام و آرچن هر دو بادام کوهی است، ثمره آرچن به بادام باغی شبیه تر است و ثمره این دو درخت تلخ است، در آب جوشانیده شیرین نمایند و «مغزو» نامند. (م-ش ۸۸: وزیری-ص ۲۰۶).

نوع گیاه: درختچه

مشخصات ظاهری: درختچه ای است با شاخه های جوان و خاردار که رنگ شاخه ها قهوه ای روشن و پس از مدتی خاکستری رنگ می شوند. برگ های آن چرمی شکل، باریک و نوک تیز با ابعادی مختلف و میوه اش گُرکدار، مخملی و ابعاد میوه در گونه های مختلف متغیر است.

طبیعت مغز بادام: طبق نظر حکمای طب سنتی طبیعت آن گرم و خشک است.

نحوه مصرف: معمولاً مغز بادام کوهی مصرف خوراکی داشته اما طعم و مزه آن مثل بادام های دیگر خوشایند نیست که نیاز به شیرین سازی دارد که برای اینکار چندین مرتبه طی چندین روز در آب شیرین گذاشته و هر نوبت آب آن عوض می شود.

ترکیبات شیمیایی و مواد موجود در بادام کوهی: آب، انرژی، پروتئین، روغن های اشباع نشده، نشاسته، کلسیم، فسفر، آهن، پتاسیم و ویتامین های B1, B2, B3 در آن تشخیص داده شده است.

بخش مورد استفاده: مغز بادام. در ضمن برگ درختچه نیز خواص دارویی دارد.

خواص درمانی: تقریباً خواص مغز بادام کوهی با مغز بادام های دیگر مشابه است. دم کرده برگ ها باعث برانگیخته شدن تمایلات جنسی، افزایش اسپرم، ضد طپش قلب و مفید برای بیماری های قلبی است. در استعمال خارجی استفاده از برگ ها به صورت ضماد مسکن درد گودی کمر است. (م-ش ۶۷: صانعی، ۱۳۹۵).

رویشگاه: از ارتفاع ۸۵۵ متر در دامنه کوه تا ارتفاع دوهزار و ۶۰۰ متر که هر چه به نقاط مرتفع تر می رویم تعداد تراکم بوته ها از حالت تک درختچه خارج و متراکم تر می شود. ارتفاع آن از ۱ تا ۳ متر (در نقاط مرتفع) می رسد. بادام کوهی در خاک های عمیق تا نیمه عمیق، سنگ ریزه دار و بر روی تشکیلات آهکی-سیلیسی در شیب های ملایم کوهستان ها می روید. -شاخه های سبز مایل به تیره و شبیه درخت شحم و شروک



۱-۸-۹- کرچک

نام محلی: کنتو (kenetu)، نام علمی: (Ricinus communis) نام یک گونه از تیره فرفیونیان است. از این گیاه روغن کرچک به دست می آید.

کرچک گیاهی یک ساله به ارتفاع ۲ متر است اما در آب و هوای گرم و مساعد ممکن است به شکل چند ساله و به ارتفاع ۴-۶ متر در آید. برگ های بزرگ، پنجه ای شکل و مرکب از ۵-۱۱ لوب عمیق دندانه دار با دم برگ دراز دارد. گل های آن که در فاصله ماه های مردا تا شهریور ظاهر می شود به شکل خوشه مجتمع است و به وضع متقابل با برگ های انتهایی ساه قرار دارد. میوه اش به شکل کپسول (پوشینه)، پوشیده از خار و محتوی سه دانه روغن دار است. (م-ش ۶۲: هانس، ص ۲۰۰).

بخش مورد استفاده: دانه ها. زیستگاه: منشا اصلی حبشه. در ایران: در نواحی مختلف ایران از جمله خراسان، جنوب ایران و بلوچستان پرورش داده می شود. (م-ش ۶۲: هانس، ص ۲۰۰).

مصرف: از راه خوراکی به عنوان ملین مقدار ۲-۱۰ گرم و به عنوان مسهل ۱۰-۶۰ گرم در اشخاص بالغ مصرف می شود. مصرف آن برای کودکان ۲ گرم به ازای هر سال سن است. (م-ش ۶۲: هانس، ص ۲۰۰).

کرچک ها گیاهی یک پایه بوده و روی گل آذین خوشه، به رنگ سبز و در بعضی از انواع گل های یک پایه قرمز بدون گلبرگ. گل های نر به رنگ زرد مایل به سبز با پرچم خامه ای و روغن دار برجسته در خوشه ای تخم مرغی شکل به طول حداکثر ۱۵ سانتیمتر است. گل های ماده، در قسمت فوقانی خوشه به رنگ قرمز و برجسته قرار گرفته اند. میوه کرچک به صورت کپسول کروی و خاردار متمایل به سبز (یا قرمز-ارغوانی) است که در هنگام رسیدن سخت و شکننده می شود و دانه ها به شکل بیضوی پهن و به شکل دانه های لوبیا و دارای پوسته براقی می باشند؛ که درون آن ها یک مغز کرم یا سفید بسیار روغنی قرار دارد. دانه گیاه متمایل به رنگ قهوه ای و تا حد زیادی سمی بوده، ریسین یک پروتئین بسیار سمی است که در دانه های کرچک وجود دارد. پوست این دانه ها حاوی این سم است که یکی از کشنده ترین سموم طبیعی دنیا است. دانه های کرچک دارای یک زائده زگیل مانند به نام "Caruncle" هستند، که ترویج و پراکندگی دانه های "Caruncle" توسط مورچه ها صورت می پذیرد. (م-ش ۷۴: میرشکاری).

رویشگاه: این درخت در حاشیه جوی ها، دشت و باغ ها و با ارتفاع حدود ۳-۴ متر مشاهده شده است.

۱-۸-۱۰- خرزهره (گیش)

نام محلی: گیش (giš)، درختچه ای سمی و همیشه سبز از راسته گل سپاسی سانان (Gentianales) تیره خرزهره ایان (Apocynaceae) است که به طور معمول در پارک ها برای اهداف زینتی کاشت می شود. این گیاه را در فارسی گیش، شبرنگ، جار، پهی و پی خوره نیز می نامند. (دهخدا)



برگ خرزهره به برگ بید شبیه است اما از برگ بید سترتر و بزرگتر است. گل‌های سرخ و سفید دارد و حیوانات اگر برگ آنرا بخورند می‌میرند (م-ش ۴۶: برهان-ص ۷۳۲).

خرزهره دارای ساقه بسیار و برگ‌های سه تایی و گل‌های رنگین که در نقاط گرم و خشک می‌روید و همه‌ی آن به واسطه «گلیکوزوئیدهای قلبی» موجود در آن به ویژه «اولیاندرین» سمی است. (م-ش ۷۵: گل گلاب، ص ۲۵۱). برخلاف بیشتر گیاهان خطرناک که فقط قسمت خاصی از آنها سمی است، تمام بخش‌های درختچه خرزهره می‌تواند موجب مسمومیت شود و حتی تنفس دود شاخه در حال سوختن آن نیز مشکلاتی در پی دارد. استفاده از شاخه‌های این گیاه برای مصارف مختلف و نوشیدن آبی که در مجاورت گل‌های خوشه‌ای قرمز، صورتی و سفید آن قرار داشته، منجر به مسمومیت‌های شدیدی می‌شود.

رویشگاه: حاشیه جوی و چشمه‌ها با ارتفاعی در حدود دو و نیم متر با قطر تاج دو متر است.

۱-۸-۱۱- سیاه شور مصری

نام محلی: سمسیل (samsil)، نام علمی: (*Suaeda aegyptiaca*) گونه‌ای از گیاهان گلدار از راسته میخک سانان (*Caryophyllales*) خانواده تاج خروسیان (*Amaranthaceae*) هم‌خانواده اسفناجیان (*Chenopodiaceae*) است. برگ-ساقه (تازه-جوشیده) آن برای ضد خارش بدن و رفع درد کلیه کاربرد دارد و گیاهی نسبتاً شورمه است. (م-ش ۷۷: مصطفوی-ص ۱۵۹، ۱۶۲ و ۱۸۸).

رویشگاه: به دلیل بافت شور زمین‌های این ناحیه در بیشتر زمینهای دشت این سبزی به صورت خودرو و انبوه سبز می‌شود.

برگ آن به صورت سبزی خوراکی در بهار و تابستان همراه غذاهای خورش‌ی یا ماست و دوغ مصرف می‌شود. چنانچه برگ‌ها پیر شوند بسیار شور می‌شود و باعث دلپیچه می‌شود.

۱-۸-۱۲- سریش ایرانی

نام محلی: سیریچ کوهی (*sirič*)، نام علمی: (*Eremurus persicus*) نام یکی از گونه‌های سرده سریش است. ارتفاع گیاه به ۶۰ سانتیمتر می‌رسد. به آسانی توسط گل‌های صورتی و با قطعات گلپوش قدری خمیده و برگ‌ها و ساقه گل پوشیده از گُرک‌های نرم و ریز و همچنین برگه‌های نسبتاً بزرگ و پهن خود قابل تشخیص است. (م-ش ۷۸: پروند لبو-۲۰).

زمان گلدهی بعد از بارندگی‌های اواخر زمستان است. بیشتر برگ آن به صورت خام و یا پخته همراه غذا مصرف می‌شود.



۱-۸-۱۳-مورد

نام محلی: مورت (mur:t)، نام علمی: (Myrtus) یا مورت نام یک سرده از تیره موردیان است.

درختچه ای است که ارتفاع آن در شرایط عادی بین ۱ تا ۳ متر است. اما در آب و هوای مساعد به ارتفاع بیشتر نیز می رسد. برگ های همیشه سبز و پایا، متقابل، ساده، نوک تیز، به رنگ سبز تیره و معطر دارد. گل های نسبتاً درشت و زیبای این گیاه رنگ سفید و مخصوص دارد و در اردیبهشت ظاهر می شود. میوه آن به شکل سته بیضوی یا مدور به رنگ سیاه مایل به آبی و دارای طعمی گس و رزینی است. (م-ش ۶۲: هانس، ص ۲۰۲).

بخش مورد استفاده: برگ و میوه به صورت دارویی. زیستگاه: زمین های بایری که درختچه های کوتاه روئیده و بین درختان زیتون و دامنه های کم درخت کوهستان ها می روید. (م-ش ۶۲: هانس-ص ۲۰).

مصرف: دم کرده و جوشانده برگ خاصیت ضدعفونی دارد. ۵ گرم گرد مورد قبل از وعده غذایی جهت تقویت معده. (م-ش ۶۲: هانس، ص ۲۰۲).

رویشگاه در سیرو: این درخت به صورت خودرو بوده و در دامنه کوه به سمت دره خشک و درختان زیتون وجود دارد. تا چند دهه پیش موقع حنا بندان در مجالس عروسی با مخلوط آب و مورد پای عروس و داماد را می شستند.

۱-۸-۱۴-انجیر:

درخت انجیر ساقه ای به ارتفاع ۳-۱۵ متر و شاخه های منشعب و کم مقاومت دارد. برگ های آن دارای پهنکی لوبدار و منقسم به ۳-۵ تقسیم عمیق است. سطح برگ های آن ناصاف و خشن است. گل های آن بر دو نوع نر و ماده واقع در جدار داخلی گل آذین گلایی شکل است. از آمیزش این گلها، دانه های فراوان و ریزی در درون قسمت گوشتدار نهنج تشکیل می شود.

مورد استفاده: از نظر درمانی از شیرابه درخت، برگ و میوه انجیر استفاده می شود. (م-ش ۶۲: هانس-ص ۱۷۵).

مصرف: میوه انجیر یک ملین مسهل ملایم. در استعمال خارج، جوشانده انجیر خشک را به نسبت پنجاه در هزار به شکل غرغره جهت رفع تحریکات گلو و دهان، ورم لثه و ورم مخاط دهان استعمال می کنند. شیره ساقه انجیر را روی زگیل می مالند زگیل ملتهب شده و بعد از مدتی می افتد. (م-ش ۶۲: هانس-ص ۱۷۵).

رویشگاه: به صورت تک درخت در اطراف چشمه و بعضی منازل خانگی مشاهده می شود. رقم مناسب انجیر اصطهبان.

۱-۸-۱۵-نخل

نام محلی: مُغ (moγ)، نام علمی (Phoenix dactylifer): گیاهی تک‌لپه‌ای و گرمسیری از تیره نخل‌ها است که میوه ای خوراکی و دارای پوستی نازک و طعمی شیرین و هسته‌ای سخت است. میوه‌ها به شکل خوشه‌ای بزرگ از



شاخه آویزان می‌شوند و برگ‌های آن بزرگ است. ارتفاع نخل به ۱۰ تا ۲۰ متر یا بیشتر می‌رسد. (م-ش ۶۸: دکتر رحمه، ۱۹۹۰).

-شرح واژگان مرتبط با درخت خرما در بخش واژه نامه درختان: فحلو، خُرس، فسیل، گُمپ، مِراغ، بَرَمراغ، پریچَه، لُت، سیخ، تَغ، توغول، سه پَنجِکی، خَمَل، پوروز، آرتَنگ، کُنْگ، سرتیغال، رطب، پولوک، گُونگ، اِسْتک، پَنگ، شیتال، پَنتالَه، پَنگ راز، تَغ تَک، پیش، مَهر، پیل، تال، بَهک، کُنْتَه.

-ریشه

درخت خرما چون تک لپه ای است ریشه اصلی ندارد بلافاصله پس از آن که ریشه اولیه از بذر بیرون آمد ریشه ثانویه ظاهر می‌شود آنها خوشه های متراکمی تشکیل می‌دهند تمام ریشه های خرما دارای کیسه های هوایی هستند که به عنوان اندام تنفسی عمل می‌کنند. درخت خرما تنه ای مستقیم و استوانه ای دارد و قطر آن در طول تنه یکسان است و تا محل تاج که برگ ها یک باره به صورت انبوه ظاهر می‌شوند تغییر نمی‌کند. اما چنانچه زیر گلوی نخل (تاج) به صورت سالانه هرس (پهتار) و شاخه های خشک جدا نشود به مرور زمان رشد استوانه آن قسمت کم می‌شود.

-نکاتی درباره ی کاشت و نگهداری نخل بنا به گفته ی افراد با تجربه

در اواخر خرداد ماه اقدام به حفر گودال هایی به ابعاد ۱*۱*۱ متر و فاصله ۷*۷ می‌شود. جهت نفوذ بهتر ریشه در خاک، چنانچه بافت خاک از سنگ و ریگ باشد، قطر چاله را بیشتر در نظر می‌گیرند.

برای نفوذ بهتر آب در صورتی که بافت خاک گلی سنگین باشد باید مقداری ماسه نیز در کف گودال ها ریخته شود. نکته: با توجه به موقعیت آبادی، گرمای بالای ۴۸ درجه و وزیدن بادهای بسیار گرم در فصل رسیدن میوه بهتر است؛ فاصله گودال ها کمتر از ۷*۷ در الگوی مربعی و یا فقط در جهتی که شدت وزش بادهای سوزان تابستانی بیشتر است فاصله گودال ها ۵ متر و در دو جهت دیگر ۷ متر در نظر گرفته شود تا الگوی کاشت مستطیلی باشد و عملکرد بهبود یابد.

با الگوی کاشت مستطیلی بعد از رشد درختان با افزایش تراکم سرشاخه ها و ایجاد سایه از شدت؛ کاهش رطوبت برگ ها، خشکی میوه، خشکی سرشاخه ها و بُن خوشه (محل اتصال خوشه به گلوی نخل) ناشی از باد گرم و سوزان کاسته می‌شود.

نکته: در برغنی شیوه کاشت به صورت الگوی مستطیلی است (۶*۸) و در جاهایی که وزش باد کمتر است (۸*۹) در نظر می‌گیرند. (نقل از: رستمی-۱۴۰۱/۰۵/۲۷).

چند روز بعد از خشک شدن رطوبت داخل گودال از کف به اندازه دو سوم به سمت بالا با خاک مناسب و کود پوسیده حیوانی پر شود (برای خاک های گلی باید مقداری ماسه نیز زیر مخلوط کود و خاک ریخته شود).



گودال ها طی دو نوبت آبیاری شود تا خاک درون آن به اندازه کافی نشست کند و بعد از کاشت، از نشست پاچوش و کج شدن جلوگیری شود.

بهترین زمان کاشت پاچوش اواخر شهریور تا اواخر مهر یا اواخر بهمن ماه تا اواخر اسفند است.

عمق و زمان کاشت : یکی از دلایل خشک شدن پاچوش ها رعایت نکردن عمق و زمان کاشت است. چنانچه پاچوش خیلی بالا و نزدیک به لبه بالایی گودال کاشته شود بعد از آبیاری ریشه ها خشک می شوند و چنانچه زیاد پایین باشد آب به درون گلوی پاچوش می رود و احتمال خفگی وجود دارد. بهتر است عمق چاله به اندازه ای باشد که بعد از کاشتن پاچوش، جایی از تنه پاچوش که بیشترین قطر را دارد تقریباً با خاک لبه گودال همسطح باشد. برای اطمینان بیشتر می توان با ایجاد پشته ای درون تشتک و دور تنه، از تماس آب با تنه و شاخه های مرکزی جلوگیری کرد.

بهترین زمان کاشت اول صبح یا هنگام غروب است تا پاچوش کمتر دچار تنش آب و هوایی شده و فرصت سازگاری با خاک داشته باشد. جهت حفاظت از پاچوش در مقابل شرایط نامساعد بیرونی سر شاخه های پاچوش را هرس می کنند و دور آن را با شاخه های خشک نخل می بندند که به این عمل در گویش محلی؛ برازه (barâzeh) گرفتن می گویند. معمولاً شاخ و برگ های حفاظتی را زمانی از دور پاچوش باز می کنند که شاخ و برگ های جدید رشد کنند.

وقتی تاج درخت نخلی قطع می شود درخت می میرد. جهت جلوگیری از آسیب ریشه و پیل نخل توسط جوندگان علاوه بر استفاده از سموم، سالی یک بار خاک پای بوته گردانده و آبیاری منظم باشد،

اگر هنگام جابجایی سر نخل صدمه ببیند خشک می شود، چون در سر نخل ماده ای سفید رنگ و پنییری وجود دارد به نام «پیل» که همانند مغز آدمی است. درخت نخل مثل آدم ها در آب خفه می شود، و اگر آب از سر نخل بگذرد مرگ درخت نخل حتمی است. به همین دلیل موقع کاشت با خاک، مانع دایره ای به دور تنه درست می کنند تا آب گل آلود در «گلوی نخل» نرود و موجب خفگی اش نشود.

درخت نخل علاوه بر تامین خوراک انسان از تنه و شاخ و برگ آن نیز می توان انواع ملزومات دستی زندگی را ساخت: زیرانداز، کلاه، ریسمان، انواع سبد، لانه مرغ، پوشش سقف خانه و دیواره های کپر ها.



-آبیاری : بستگی به شرایط آب و هوای هر منطقه، بافت خاک(شنی، گلی)، میزان رطوبت و فصل کاشت (زمستان، تابستان) معمولاً تا دو ماه اول آبیاری برای تابستان و یک ماه اول آبیاری در زمستان باید به گونه ای باشد که خاک پای پاجوش و درون تشتک همیشه دارای رطوبت بالا و جهت شیب آب درون تشتک به سمت تنه پاجوش باشد. برای جلوگیری از تبخیر آب و کنترل علف های هرز بهتر است سطح تشتک با شاخ و برگ های خشکیده پوشانده شود تا اثر تابش مستقیم آفتاب خصوصاً در تابستان کمتر شود و آب فرصت کافی جهت نفوذ به درون خاک داشت باشد.

*برای پاجوش های ۱ تا ۵ ساله می توان با ریختن ماسه روی سطح خاک تشتک و پهن کردن توری های رنگی اثر تابش آفتاب و تبخیر آب را کمتر کرد. بعد از بردن ثمر درخت تا سه دوره هر ده روز یکبار درخت به روش غرقابی آبیاری شود.

-کود دهی: اگر منطقه ریشه زایی نخل را از تنه به اندازه طول بلندترین شاخه در جهت افقی در نظر بگیریم و به چهار قسمت مساوی تقسیم کنیم؛ بهتر است کود در حفاصل انتهایی ناحیه اول تا انتهایی ناحیه دوم توزیع شود.
-برداشت هایی درباره درخت خرما از مقاله اصول آبیاری و تغذیه نخلستان(عبدالحمید محبی، پروانه تیشه زن، حجت دیالمی)

خرما نسبت به سایر درختان میوه می تواند شرایط شوری و قلیائیت را بیشتر تحمل کند، خاک های لوم و شنی با ۲ تا ۳ متر عمق(بافت زیرین خاک) و شرایط خوب نگهداری رطوبت و زهکشی مناسب بهترین خاک جهت کشت خرما می باشد... در خاک های سبک گلدهی زودتر از خاک های سنگین انجام می شود. در خاک هایی که از نظر شرایط تهویه و زهکشی مناسب نیست ممکن است نخل خرما پایدار بماند ولی در این خاک ها تولید میوه اقتصادی نبوده و از کاشت خرما در این خاک ها باید اجتناب کرد.

برای کاشت پاجوش خرما باید چاله هایی به ابعاد ۱*۱*۱ متری در فاصله ی ۸*۸ متر در اوایل بهار یا اواخر تابستان حفر شود و حدود دو هفته به همین حالت بماند و سپس با مخلوطی از خاک محلی و کود حیوانی پوسیده پر شوند. و با آبیاری سطح آنها(نشست خاک درون چاله) تنظیم شود سپس نسبت به کاشت پاجوش ها اقدام نمود.

-دوره آبیاری درخت خرما

دور آبیاری در خاک های سنگین ۷ تا ۱۲ روز در تابستان و ۳۰ تا ۴۵ روز در زمستان است. در خاک های سبک دور آبیاری بین ۴ تا ۷ روز در تابستان و ۲۰ تا ۳۰ روز در زمستان است... در مورد باغ های تازه احداث در بیشتر مناطق در ماه اول یک روز در میان، ماه دوم دو روز در میان، ماه سوم سه روز در میان و سپس هفته ای یک بار و در زمستان هر ۱۰ روز یک بار صورت می گیرد.

کودهای آلی



توصیه می شود حداقل هر دو سال یکبار مقدار ۳۰ تا ۵۰ کیلوگرم کود حیوانی پوسیده در خاک پای درختان پخش و مخلوط گردد... بهترین زمان مصرف کودهای حیوانی در اواخر زمستان می باشد(است).

توصیه می شود به دلیل متفاوت بودن شرایط آب و هوایی و بافت خاک هر منطقه جهت داشتن بهترین عملکرد، نخل داران با کارشناسان مربوطه در ارتباط باشند.

-گونه های نخل:

درختان خرما به دو دسته الوان خواس و بیزو خواس دسته بندی می شود. الوان خواس شامل درختانی است که از نظر اقتصادی ارزشمند هستند: پیارم، شاهانی، موسی و خواسی. به خوش رنگ ترین و خوشمزه ترین آنها که دارای پوست نازک و میوه نرمی است خواسی می گویند.

نوع دوم بیزو خواس که پرورش آن در تعداد زیاد از نظر اقتصادی چندان مقرون به صرفه نیست و شامل: فره کان، خاره کلوط، لشت، اسناف، مَرزبان، توروשו، هلالی و... است.

-پیارم (piyârom): نوعی خرمای صادراتی است، خرمای آن مرطوب نیست و به صورت خشکبار صادر می شود و پوست و گوشت آن به هم چسبیده و ظاهری قهوه ای رنگ و چروک دارد. مزیت اصلی رقم پیارم این است که چسبندگی ندارد و راحت شسته می شود و همچنین قند آن «فروکتوز» نام دارد و راحت تر در بدن می سوزد و دارای پروتیین است. ارتفاع آن حدوداً شش متر است. دانه آن قبل از رطب شدن زرد رنگ، طول میوه درجه یک آن حدود ۴ سانتی متر با قطر یک سانتی متر است. از گونه های دیررس محسوب می شود.

-توروשו (turušu): خرمای آن شبیه خرمای پیارم کمی باریک تر اما به رنگ سیاه است.

-شاهانی (šâhâni): در این منطقه به خرمای «شانی» معروف است. خرمایی زرد رنگ، کشیده با نوک باریک و سطح آن پوستی نازک دارد که قابلیت جدا شدن دارد و بسیار شیرین است. ارتفاع درخت شاهانی بسیار زیاد و بعضاً تا ۱۱ متر نیز می رسد. قطر تنه آن کمتر از ارقام دیگر است. دانه ی آن قبل از رسیدن زرد رنگ، و نخلی است که دانه ی (کُنگ) نارس آن و خرمای آن شیرین است.

-خاصویی (xâsuyi) (م-ش ۱۴۵: سدیدالسلطنه-ص ۶۷): گونه ای خرما با پوست بسیار نازک و زلال به رنگ قرمز و سیاه، گرد به اندازه آلو، شیرین که رنگ خارک(کُنگ) آن کمی مایل به قرمز است. بگفته ی نخل داران گونه «خاصویی» بعد از کشت به راحتی سبز و خشک نمی شود. برخلاف سایر گونه ها که زمان کاشت و بعد از آن، نگهداری و دقت بیشتری را می طلبد. ارتفاع نخل خاصی متوسط و حدوداً ۵ متر است. با توجه به طعم و مزه بی نظیر این رقم خرما اگر املائی صحیح کلمه «خاسی» باشد شاید به معنی «خواستنی» یعنی خرمایی که مورد پسند همه است و اگر املائی صحیح کلمه «خاصی» باشد، ممکن است به معنی «خرمای خاص» باشد. خاصگی: کنایه از هر چیز نفیس(م-ش ۴۶: برهان-ص ۷۰۰).



-لشت (lašt) (م-ش ۱۴۵: سدیدالسلطنه-ص ۵۵): درخت آن بلند با تنه ستبر و از خانواده مضافتی است. فقط خرمای آن مصرف خوراکی دارد. دانه های آن قبل از رسیدن قرمز رنگ و غیر قابل خوردن است. خرمای آن به طول ۴ در ۱/۵ سانتی متر است.

-موسی (musi): همان مضافتی است که در این نواحی و فین بندرعباس «موسی» می گویند. ارتفاع آن ۳ تا ۴ متر و قطر تنه آن کمی بیشتر از گونه شاهانی است.

-خنیزی (xenizi) (م-ش ۱۴۵: سدیدالسلطنه-ص ۵۵ و ۶۷): این رقم خرما در سیرو «خنزی: xenezi» تلفظ می شود. خرمایی که دانه آن قرمز و شیرین است و زودتر از خرماهای دیگر به دست می آید.

سایر خرماهای دیگر که کمتر خرید و فروش می شود و بیشتر مردم برای مصرف خود و در تعداد کم کشت می کنند عبارتند از:

-هلالی (helâli): درخت قطور با ارتفاع کم، دانه آن گرد و به اندازه آلو، خارکش زرد رنگ و بسیار شیرین و دارای خوشه های بسیار سنگین و بزرگ است.

-شکری (šekari): دانه آن قرمز رنگ با دانه های سیاه روی آن قرار دارد و به اندازه ی خرمای پیارم است و بیشتر رطب آن استفاده می شود.

-اصناف (esnâf): خرمای آن به رنگ سیاه و بیضی شکل شبیه زیتون سیاه اما کمی بزرگتر از آن است.

-نگار (negâr): خرمایی که بیشتر سرتیغال و رطب آن استفاده می شود و معمولاً یک... دو ماه زودتر از خرماهای دیگر به دست می آید. از نظر ظاهری میوه آن شبیه میوه پیارم اما کشیده تر است.

-فَرِکان (farrekân) و خارکلوت (xârkelut) کلوته: نخلی با دانه های قرمز رنگ که رطب آن خوشمزه تر از خرمای آن است. دکل (dakal): گونه ای از خرما که از طریق هسته و به صورت خودرو سبز می شود که از دانه و رطب آن استفاده می شود اما ارزش چندانی ندارد.

-مراحل تشکیل خرما:

تغول یا تارونه (tu.γul)، هوار دادن (گرده افشانی)، تشکیل دانه یا سه پنجکی (se penjeki)، خَمَل (xamal)، آرتنگ (ârteng)، کُنگ (kong) یا خارک، سرتیغال (sar tiyâl)، رطب (rotab)، خرما (xormâ).

-محصولات و فرآورده های حاصل از خرما:

-خرمای ریزه (rize): خرمای گوشتی و نرم غیر مرطوب بدون چسبندگی که ارزش صادراتی دارد. (خرمای پیارم، خاصویی).

-خرمای چسب (časb): خرمای خشک زرد رنگ و زنبور خورده که مقداری چسبندگی دارد، خرمای درجه ۲



-گَوَنگ (govang): افتادن پولک خرما بر اثر گرمای زیاد که داخل خرما دانه های سفید رنگ ریزی قابل مشاهده است.

-پَچَک (pačak): خرمای ترد و رطب نشده (کُنگ) را قاچ و روی زمین پهن می کنند تا زیر آفتاب خشک شود و در زمستان استفاده می کنند. (انواع مضافتی)

-خرمای (کُنگ) جوشیده (kong-e-jušide): هنگام برداشت محصول دانه هایی که رطب و خرما نشده را در آب می جوشانند تا نرم، سپس روی زمین مسطح و تمیز می ریزند تا خشک شود، بعد به صورت خشکبار مصرف می شود. (خرمای شاهانی و خاسی)

-مَنگ (meng): دانه های کال و سبز رنگی که قبل از تشکیل دانه کامل (کُنگ) خشک می شود. (خوراک دام است).

-پوروز (puruz): دانه های کال اما کامل و سبز رنگی که قبل از نرم شدن (آرتنگ) چروک و خراب می شود. (خوراک دام است).

-سَلِیک (selik): دانه هایی که بعد از نرم و چروک شدن خشک شده و خرما نمی شود. (خوراک دام است).

-رَنگِینَک (ranginak): هسته خرمای کامل و رسیده یا رطب های نرم را بیرون می آورند و در بشقابی می چینند، سپس آرد تفت داده شده را در روغن به همراه دارچین مخلوط می کنند و روی خرما ها می ریزند. (بیشتر از خرمای خاسی استفاده می کنند).

-دوشاب (دیشو) خرما (dušâb&dišew): یکی از فرآورده های خرما دوشاب است که در فصل زمستان ابتدا خرماها را درون دیگ می ریزند و دیگ را از آب پُر می کنند تا روی سطح خرماها و دوازده ساعت صبر می کنند تا خوب نرم شود سپس دیگ محتوی خرما و آب را روی آتش گذاشته و می جوشانند، بعد از اینکه خرما در اثر جوشاندن له شد، دیگ حاوی خرما را از روی آتش بر می دارند و صبر می کنند تا خنک شود. خرماها را درون کیسه تمیز پارچه ای می ریزند و با چلانیدن کیسه، شیره را از خرما جدا می کنند و درون دیگ دیگری می ریزند. در مرحله آخر شیرهای گرفته شده درون دیگ را روی آتش می گذارند تا بجوشد و غلیظ شود. تفاله های خرمای جوشانده شده نیز بعد از خشک شدن به عنوان خوراک به حیوانات داده می شود.

-شیره طبیعی یا قند خرما: خرمای تازه چیده شده را درون صافی و زیر نور آفتاب قرار می دهند، سپس شیره خرما در ظرف زیر صافی ریخته و جمع می شود.

-حلوای تَرک (hallwây-e-tarak): حلوایی که از مخلوط دوشاب خرما و آرد تفت داده شده درست می شود و برای طعم دادن به آن از زنجبیل، دارچین و هل نیز استفاده می شود.



- حلزوی خرما: پختن خرما در روغن به همراه آرد برشته شده را گویند. معمولاً حلزوی خرما به عنوان عصرانه و همراه با دوغ استفاده می کنند.

- حلزوی خرما کنجد: هسته خرما را جدا می کنند و کنجد را می کوبند تا روغن آن به دست آید سپس خرماهای آماده شده و روغن کنجد را با هم مخلوط می کنند و شبیه شیرینی در می آورند.

- قند رنگی: از جوشاندن کمی شیر طبیعی خرما، شکر و اندکی عرق نعناع یا پودنه (پونه) و سرد کردن آن قند رنگی درست می کنند که به دلیل وجود عرق نعناع قند خوش عطر می شود.

۱-۸-۱۶- قلم مداد؟

نام محلی: شحم اُشتر، نام علمی (*Asclepias subulata*): گونه‌ای از علف‌های شیری است که معمولاً به‌عنوان علف‌شیر، علف بیابانی یا عجمیت شناخته می شود. این گیاه چند ساله نعوظ است که در اوایل فصل برگ‌های خود را از دست می دهد و به صورت دسته‌ای از ساقه‌های برهنه می ایستد. در بالای ساقه‌ها گل‌آذین‌هایی از گل‌های مشخص دیده می شود. هر گل کرم‌مایل به سفید دارای یک تاج انعکاسی است که قسمت‌های داخلی را نشان می‌دهد، شبکه‌ای از پنج ستون براق که بالای هر کدام یک قلاب کوچک قرار دارد. این میوه یک فولیکول کیسه‌ای است که حاوی دانه‌های مسطح و بیضی شکل زیادی با پرهای موی ابریشمی و بلند است. این علف شیر بومی صحرای جنوب غربی ایالات متحده و شمال مکزیک است.

محققان در بارد، کالیفرنیا این گیاه را به عنوان منبع بالقوه لاستیک طبیعی در سال ۱۹۳۵ آزمایش کردند.

(https://en.wikipedia.org/wiki/Asclepias_subulata)

رویشگاه در سیروبیبه: رنگ شاخه‌ها سبز روشن مایل به زرد و دارای گل‌های زرد. ارتفاع ۶ متر در دشت و حاشیه جاده زمین سنگلاخی می‌روید- درخت «شحم» شروک و بادام تلخ تقریباً شبیه هم هستند و تفاوت آنها در ارتفاع و رنگ شاخه‌ها و گل‌های آنها است.

۱-۸-۱۷- درخت تنگرس

نام محلی: کُنسک (*konesk*)، نام علمی (*Amygdalus lycioides*): تنگرس یا بادام خارآلود یا تنگس گونه‌ای بادام است که تنها در ایران می‌روید. دو وارسته از آن وجود دارد که با نام‌های *lycioides* و *horrida* شناخته می‌شوند. (م-ش ۶۹: مظفریان-ص ۶۵۷).

رویشگاه: این درختچه در حاشیه رودخانه‌هایی که از کوه به سمت دشت سرازیر می‌شوند می‌روید و دو ماه مانده به عید نوروز بعد از بارندگی‌ها شکوفه قرمز می‌دهد و میوه آن شبیه بادام تلخ، اما با کیفیت تر است.



۱-۸-۱۸-درختچه گون یا انزروت

نام محلی: زونگ (zevang)، نام علمی: (*Astragalus sarcocolla*) گونه‌ای از سرده گون و درختچه‌ای بومی ایران است. (مخ-ش ۱۹ و ۲۰: *Astragalus-Dioscorides*). هندی: کتیرا، یونانی: طراغافیتا-طراقافیا، سریانی: زل زده-انقت الا، به صمغ آن کتیرا گویند. (م-ش ۱۲۹: قهرمان-ص ۲۵۱).

این گیاه دارای ارتفاعی بین ۱ تا ۲ متر، خاردار و یک‌ساله است. انزروت عمدتاً در جنوب ایران به خصوص سرزمین فارس می‌روید. برگ آن شبیه برگ مورد و کندر است و دارای صمغی است که و بهترین نوع صمغ آن سفیدرنگ و تازه است که ترد و طعم تلخ مخلوط با کمی شیرینی دارد. این گیاه معمولاً در اواخر زمستان و فصل بهار به گل می‌نشیند و گل‌های آن حالت بادکنک مانند دارد و به رنگ صورتی و سفید هستند.

انزروت ملین، ضد نفخ و مسهل صغرا است و برای درمان درد مفاصل، بلغم و گوش درد مفید است. مقادیر زیاد آن سمی است و خوردن دو گرم آن چون منافذ بدن را می‌بندد و به احشا می‌چسبد کشنده است. انزروت همچنین جنین را سقط می‌کند. چاق شدن، و خروم کرم معده و روده از دیگر فواید انزروت است. (م-ش ۱۲۷).

تاریخچه: ابن بیطار، گیاه‌شناس و داروساز سده سیزدهم، مفصل‌ترین توضیحات در مورد انزروت را بر اساس منابع یونانی و اسلامی و همچنین مشاهدات خود گرد آورده است. وی اعتقاد دارد صمغ انزروت باعث تحلیل رفتن چرک آبسه‌های عفونی و مانع بلوغ تومورها می‌شود، مخاط و لثه زرد را از بین می‌برد و درمانی برای التهاب چشم، به خصوص پلک‌های جمع شده و ترشح بیش از حد چشم است. صمغ همین طور یک ضد عفونی کننده قوی است، اما باعث ریزش موها نیز می‌شود. بهترین صمغ انزروت از دانه‌های خرد شده سفید مخلوط شده با روغن گردو تشکیل شده است. این صمغ را می‌توان با داروهای دیگر (از جمله ساگانوم، میرووبالانوم، سگل، مقل و غیره) در هم آمیخت. اما مصرف زیاد آن می‌تواند کشنده باشد؛ بنابراین، میزان مصرف نباید بیش از ۲،۲۵ درهم (حدود ۶،۵ گرم) باشد. با این حال، ابن بیطار اظهار می‌کند که زنان مصری بلافاصله پس از حمام، بیش از ۱۰۰ گرم صمغ انزروت همراه با خمیر خربزه زرد، به امید افزایش فریبگی مصرف می‌کنند. (مخ-ش ۲۱: A. Dietrichi).

رویشگاه: در دشت و زمین‌های سنگلاخی نزدیک به دامنه کوه. در گذشته برای درمان شکستگی استخوان استفاده می‌شد.

۱-۸-۱۹-درختچه دیوخار-سریم-اسه

نام محلی: زیرک (zirok)، نام علمی: (*Lycium shawii*) در ایران گونه‌ها و انواع دیوخار می‌رویند که دارای خواص دارویی مشابه آسه می‌باشند. یکی از گونه‌های آن *Lycium shawii* است. این گونه به انگلیسی *Arabian boxthorn* گفته می‌شود، نام علمی آن: *Lycium shawii* Roemer Schult و مترادف‌های آن: *barbarum* Miller و *L. arabicum* Schweinf و *L. persicum* Miers و *L. orientale* Miers است.



درختچه ای به بلندی تا سه متر بسیار خاردار، شاخه های آن سفید کم و بیش نمدی و خارهای آن باریک و نمدی است. گلها سفید و قیفی و میوه آن نارنجی و قرمز به قطر سه تا پنج میلی متر. نام محلی آن در خوزستان «سریم»، در بلوچستان «زیررک» و در لار «لفاتربک» است.

در برگ های جوان درختچه اسید سیانیدریک وجود دارد و از میوه های آن برای تقویت نیروی جنسی استفاده می شود.

خواص - کاربرد

در عربستان مرسوم است اعضای هوایی، ریشه، تخم و ساقه گیاه را گرفته خرد کرده در حوضی می خیسانند و پس از دو سه روز خیساندن خوب لگد می کنند و بعد آن را صاف کرده می گذارند که دُرد قسمت صاف شده ته نشین شود و مایع زلال روی آن را گرفته می جوشانند، آن قدر که سفت یعنی خمیری شود و سپس آن را برداشته و در خیک هایی ریخته، حمل و توزیع می نمایند، این نوع عصاره را «خولان» می نامند. در نوع دیگری روش تهیه آن است که ریشک ها و زواید را گرفته و سپس می پزند و عصاره خمیری را به شکل گلوله درمی آورند، این نوع را «حضض» نامند. علامت اینکه خولان خالص است و با سایر گیاهان اختلاطی ندارد این است که رنگ بیرون آن زرد مایل به سیاهی و رنگ داخل آن سرخ باشد وقتی در آب حل شود کف آن به رنگ خون درمی آید و طعم آن کمی گس و تلخ است و اگر در آتش بیندازند شعله ور می شود.

خولان و یا حضض از نظر طبیعت طبق نظر حکمای طب سنتی از نظر حرارت و برودت معتدل است و کمی خشک و عده ای از حکما آن را سرد و خشک می دانند. از نظر خواص قابض و محلل و خنک کننده است. خوردن آن برای ورم های داخلی، اسهال، قطع سیلان رطوبت ها و عرق، بند آوردن خونریزی، اخلاط سینه، تسکین سرفه، درد کبد، یرقان سیاه و شکم روش نافع و درعین حال مدر است و در باز کردن عادت ماهیانه مفید است و برای بواسیر، حرارت کلیه، زخم مجاری ادرار، التهاب و تشنکی نافع است. قطره آن برای بند آوردن جریان رطوبت و چرک از گوش مفید است.

مضمضه آن برای تقویت لثه سست و غرغره آن برای ورم حلق نافع است. مالیدن آن به چشم برای ضعف بینایی و جرب و خارش پلک و درد چشم و قطع نزول آب از چشم مفید است. تنقیه آن برای اسهال مزمن و زخم روده ها مفید است. در شرح قانون آمده است که حضض با اینکه قطع خونریزی می کند درعین حال در باز کردن عادت ماهیانه مفید است.

مضرطحال است از این نظر باید با انیسون خورده شود. مقدار خوراک آن حد اکثر از ۲-۴ گرم است. دم کرده یک گرم از گیاه در یک فنجان آب بتدریج در ۲۴ ساعت خورده می شود و برای رفع سیاه سرفه و تسکین سرفه مفید است. در هند میوه گیاه را برای تقویت نیروی جنسی می خورند.



برگ های گیاه مصرف خوراکی دارد و دارای این خواص: متعادل کننده دستگاه عصبی پاراسمپاتیک؛ ضد اسپاسم و سرفه های ناشی از اسپاسم مثل سیاه سرفه؛ برطرف کننده تحریکات حلق در سخنرانان؛ برطرف کننده انقباضات شدید معده، درمان تعریق ناشی از سل، درمان قاعدگی دردناک و جهت ناراحتی های پروستات مفید است. میوه دارای ویتامین های آ، ث و ای، ترکیبات آنتی اکسیدان و منبع مناسبی از اسیدهای چرب است. (قاسم مهدویان-درختچه های لارستان).

۱-۹- شرح بعضی از گیاهان (داروئی، گل ها، علوفه ای)

۱-۹-۱- آویشن یا آزره

نام محلی: اوشن (ow.šan) و نام علمی (Thymes)؛ سرده ای از تیره نعنائیان است. آویشن حدود ۳۵۰ گونه دارد. در ایران ۱۴ گونه گیاه معطر و چند ساله دارد. (م-ش ۶۹: مظفریان-ص ۵۴۷). این سرده به مرزنگوش بسیار نزدیک است و در مناطق کوهستانی در بین تخته سنگ ها می روید.

آویشن این ناحیه از دسته آویشن شیرازی و دنایی است که نوع دنایی به دلیل داشتن برگ های باریک به آویشن «استکو: es.ta.ku» معروف است. برگ ها اندازه برنج و کمی کوچکتر است.

-نکات و آموزش کاشت بذر آویشن برگ باریک (دنایی)

آویشن از دو طریق تکثیر می یابد: ۱- کاشت بذر، ۲- تکثیر رویشی (تقسیم ریشه)، ۳- تکثیر قلمه (که خیلی رایج نیست)

در تکثیر رویشی در فصل زمستان گیاه را از خاک در آورده و ریشه های آن را به چند قسمت تقسیم کرده و در مکان های مورد نظر می کاریم. برای کاشت در مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری هر زمانی می توانید اقدام به کاشت کنید.

بذر آویشن دنایی بسیار ریز بوده، بذر ها را زیر لایه ی بسیار نازک از خاک نرم قرار دهید و با اسپری آبیاری کنید. (عمق حداکثر ۰٫۵ سانتی متری)

برای کاشت خانگی بهتر است بذر ها را بهار و بعد از رفع کامل سرما به کارید. بذر این گیاه را میتوانید ابتدا داخل گلدان کوچک یا لیوان یکبار مصرف و سینی نشاء در عمق «۰٫۲ تا ۰٫۵» سانتی متری به کارید و بعد از رسیدن به طول ۵ تا ۱۰ سانتی متر به گلدان یا زمین اصلی منتقل کنید.

خاک مناسب برای رشد گیاه آویشن باید نیمه سبک و دارای زهکشی مناسب باشد ترکیب خاک باغچه و کمپوست یا کود حیوانی برای کاشت باغچه و برای کاشت گلدانی ترکیب کوکوپیت و کمپوست مناسب است، آویشن خاک های سنگین و رسی را نمی پسندد.